

یادم از مزرع خویش آمد...

تروریست‌های طالب و داعش برای فرو راندن جامعه به غرقاب خشونت و بی‌اعتمادی به هر تجمعی حمله خواهند کرد. اما از آنجا که آنان معمولاً انتحاری‌ها را برای حمله به تجمعات می‌فرستند و افراد انتحاری برای آنان حکم سرمایه‌های کمیاب را دارند، سعی می‌کنند تجمعاتی را به‌عنوان آماج حمله انتخاب کنند که از لحاظ بازده سیاسی حاصل...



قسمت بیست و سوم | صفحه ۴

سرزمین‌های در هم شکسته:

جهان عرب چگونه فروپاشید؟

آذر گفت: «چرا که نه؟ آن‌ها همه چیز را از دست داده‌اند.»
زمانی که دو جنگجوی پیشمرگه ما را به سمت زمین بایری در فاصله‌ی کوتاهی از شهر و در نزدیکی خط مقدم جدید هدایت کردند، همه چیز...



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز می‌توانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515

عزیزی بانک
Azizi Bank

آخرین پرسش از حکومت آیامی خواهید، پیکر حکومت مسئول تشیع شود؟

فاجعه‌ی هولناک دیروز، جایی برای تردید نگذاشته است. کشتار ده‌ها شهروند بی‌گناه، هنگام اجرای یک مراسم عقیدتی و حمله بر مسجد، مقدس‌ترین مکان برای مسلمانان، ما را فرامی‌خواند تا بار دیگر، به وضعیتی که در آن افتاده‌ایم فکر کنیم. کشته شدن بیش از ۳۲ شهروند و زخمی شدن بیش از ۵۰ نفر در مسجد، برای بار دیگر، دولت را وادار به تکرار این جمله کرد که «این حمله، کار دشمنان افغانستان است» و «این حملات نمی‌تواند به تنش‌های فرقه‌ی دامن‌بزنند». احتمالاً در ساعات آینده، سخن‌گویان نهادهای حکومتی و امنیتی بیشتر از این حرف خواهند زد. آن‌ها قطعاً می‌گویند که افغانستان میدان نبرد استخبارات منطقه است و حملات انتحاری بیرون از افغانستان طراحی می‌شود. با این فرض که این سخنی درستی است...



صفحه ۲

حمله‌ی مرگبار در یک مسجد در غرب کابل

۳۲ تن کشته
و ۸۵ نفر زخمی
شدند

سریعترین اینترنت 3G - بهترین قیمت



1GB

در بدل 250 افغانی

مدت اعتبار: 30 روز

برای اشتراک:

1GB را به 151 ارسال نمایید



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

سه‌شنبه
۲ قوس
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۱۹۱
۲



یادداشت روز

آخرین پرسش از حکومت آیامی خواهید، پیکر حکومت مسؤل تشیع شود؟

فاجعه‌ی هولناک دیروز، جایی برای تردید نگذاشته است. کشتار ده‌ها شهروند بی‌گناه، هنگام اجرای یک مراسم عقیدتی و حمله بر مسجد، مقدس‌ترین مکان برای مسلمانان، ما را فرا می‌خواند تا بار دیگر، به وضعیتی که در آن افتاده‌ایم فکر کنیم.

کشته شدن بیش از ۳۲ شهروند و زخمی شدن بیش از ۵۰ نفر در مسجد، برای بار دیگر، دولت را وادار به تکرار این جمله کرد که «این حمله، کار دشمنان افغانستان است» و «این حملات نمی‌تواند به تنش‌های فرقه‌یی دامن بزند». احتمالاً در ساعات آینده، سخن‌گویان نهادهای حکومتی و امنیتی بیشتر از این، حرف خواهند زد. آن‌ها قطعاً می‌گویند که افغانستان میدان نبرد استخبارات منطقه است و حملات انتحاری بیرون از افغانستان طراحی می‌شود. با این فرض که این سخنی درستی است و چنین حمله‌یی در بیرون و به‌واسطه‌ی گروه‌های تروریستی مانند دانش طراحی شده؛ اما آنچه در این مورد، نادیده گرفته می‌شود این پرسش است که «آیا چنین جنایاتی در کشوری بدون دولت و در غیبت یک نهاد سیاسی و امنیتی اتفاق می‌افتد»؟ اگر غیر از این است، پس باید قطعاً بپذیریم که مهاجمان انتحاری از مناطق تحت کنترل دولت عبور کرده که در آن سه نهاد امنیتی با هزاران مأمور پولیس، امنیت ملی و اردوی ملی، مسؤل تأمین امنیت مردم و دولت است. فراتر از این، حمله‌ی خونبار دیروز، در پایتخت اتفاق افتاد؛ جایی که نهادهای امنیتی بر آن بیشترین کنترل را دارند. عبور یک مهاجم انتحاری از این قلمرو، مسؤلان حکومت را دست‌کم به‌دلیل سهل‌انگاری، فساد حاکم، مسئولیت‌ناپذیری و عدم صداقت نسبت به تعهدات‌شان به قانون اساسی، در جایگاه یکی از متهمان این فاجعه می‌نشاند. به این معنا که مسؤلان نهادهای حکومتی و رهبران حکومت با ناتوانی و سهل‌انگاری در وقوع این فاجعه نقش داشته‌اند.

در ماده‌ی پنجم قانون اساسی به اولین و ابتدایی‌ترین حق مردم که «حق تأمین امنیت» است، به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های دولت، اشاره شده است. از این رهگذر، حق زندگی، خواست و انتظار بسیار ساده‌ی شهروندان از دولت است و تأمین امنیت مردم نخستین مسئولیت دولت. حکومت متأسفانه تا کنون نتوانسته اولین مسئولیت خود را در برابر شهروندان به انجام برساند. حکومتی که ناتوان از انجام ابتدایی‌ترین مسئولیتش باشد، باید به توانایی‌اش برای عمل به باقی مسئولیت‌هایش تردید کرد. این وضعیت شهروندان را به سمت خطرناکی می‌برد. آن‌ها ناگزیرند سرانجام بپرسند که دلیل وجود این حکومت چیست و چه کاری از آن بر می‌آید؟

رییس‌جمهور در بیانیه‌اش گفته است که این حادثه، کار دشمنان افغانستان است. شکی در آن نیست. روشن است که دوستان افغانستان چنین کاری نمی‌کنند. از این جهت، مسؤلانه نیست که رییس‌جمهور به گفتن همین جمله در مورد یک حمله‌ی مرگبار، اکتفا کند. بیانیه‌ی دفتر شورای امنیت ملی نیز ضمن محکوم کردن این حادثه، تأکید کرده بود که چنین حملاتی به تفرقه میان مذاهب و اقوام افغانستان نمی‌انجامد. این در حالی است که شورای امنیت چند روز پیش نشست مهمی را برای ارزیابی امکان وقوع تنش‌ها و کشندهای قومی، برگزار کرده بود. صادقانه نیست که تهدید داعش یا دیگر گروه‌های تروریستی برای انجام کشتارهای قومی و ایجاد تفرقه میان اقوام افغانستان را انکار کنیم؛ زیرا ناتوانی برای سنجیدن تمهیداتی برای حفظ ثبات و انکار واقعیت، اگر به بروز تنش‌های قومی منجر نشود، قطعاً تنش میان حکومت و مردم را تشدید خواهد کرد. مسأله صرفاً جلوگیری از تنش‌ها میان اقوام این کشور نیست، فروپاشیدن آخرین دیوار اعتماد میان ملت و حکومت نیز قابل نگرانی است.

از این منظر، لازم است مسؤلان حکومت با صداقت و مسئولیت‌پذیری به‌دلیل ناتوانی در جلوگیری از وقوع این جنایت، از شهروندان عذرخواهی کنند. عوامل وقوع حمله‌ی مرگبار به مسجد باقرالعلوم باید به‌صورت دقیق بررسی شود. مسؤلان امنیتی‌یی که با اهمال و سهل‌انگاری در وقوع این حمله مقصراند، به محکمه کشانده شوند. کافی نیست که سخن‌گویان نهادهای امنیتی با این دلیل که «روزانه از اجرای ده‌ها حمله‌ی انتحاری جلوگیری می‌شود»، از ناتوانی این نهادها دفاع کنند. به‌صورت منطقی، لازم است خطرها و احتمال حملات انتحاری، از نظر حجم جنایت و پیامدهای آن، اولویت‌بندی شود. تاکنون جلو هیچ حمله‌ی انتحاری‌یی که پیامدهای خطرناکی به دنبال داشته، گرفته نشده است. بارها به تجمعات مردم از پکتیا تا بلخ و کابل، حمله شده است. به‌خصوص در چند مورد اخیر که آشکارا اماکنی که از نظر مذهبی حساسیت‌زا هستند، مورد حمله قرار گرفته‌اند.

در کنار بررسی جدی خلاهای امنیتی و سنجیدن برنامه‌یی برای تغییر این وضعیت، لازم است به ظرفیت‌های داخلی گروه‌های تروریستی نیز توجه شود. واقعیت این است که کلیت این حملات، در بیرون از کشور بسته‌بندی نمی‌شود. در داخل کشور ظرفیت انجام چنین جنایات هولناکی شکل گرفته است و این مایه‌ی نگرانی است. لازم است برای جلوگیری از افراط‌گرایی مذهبی، متون آموزشی مذهبی مرور و در آن تجدید نظر شود و نهادهای مذهبی در قبال حکومت وادار به پاسخگویی شوند. اکنون مدراسی مانند اشرف‌المدراس در میان نهادهای مذهبی افغانستان (در میان شیعه و سنی) وجود دارد که این ظرفیت خطرساز را تقویت می‌کنند.

اطلاعات روز: حوالی ساعت ۱۲:۱۵ بود که عزاداران چهلم عاشورا در مسجد باقرالعلوم واقع جاده‌ی فیض محمد کاتب در غرب کابل هدف حمله‌ی انتحاری قرار گرفتند. آمارها از تلفات جانی این رویداد که تاکنون منتشر شده متفاوت است. براساس برخی گزارش‌ها در این حمله‌ی انتحاری دست‌کم ۳۲ تن کشته و بیش از ۸۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.

شاهدان عینی می‌گویند که شهروندان پس از پایان مراسم اربعین (چهلم عاشورا) در حال دعا خوانی بودند که فرد انتحاری وارد مسجد شده و مواد منفجره‌ی همراهش را منفجر کرد. عزاداران پس از ختم دعاخوانی قصد داشتند غذای نذری صرف کنند، اما پس از حمله‌ی انتحاری همه‌جا را وحشت فرا گرفت و ده‌ها نفر به خاک و خون کشیده شدند.

پولیس کابل گفته است که در این رویداد ۲۷ تن کشته و ۳۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. اما گزارش‌هایی وجود دارد که خبر می‌دهد در این رویداد دست‌کم ۳۲ تن کشته و بیش از ۸۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. تصاویری که از محل رویداد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، گواه بزرگی انفجار است و ممکن آمار تلفات بیشتر از آمارهای داده‌شده‌ی فعلی باشد.

فریدون عبیدی، رییس تحقیقات جنایی پولیس کابل، در محل رویداد به خبرنگاران گفت که تمام کشته‌ها و زخمیان این رویداد افراد ملکی می‌باشند.

اسماعیل کاووسی، مسؤل رسانه‌های وزارت صحت عامه گفته است بر اساس آمار کابل آمبولانس تا حال بیش از ۳۰ کشته و حدود ۸۵ زخمی را به شفاخانه‌های کابل منتقل شده است.

آقای کاووسی تأکید کرده که ارقام قابل تغییر است.

وزارت امور داخله این حمله را به شدید ترین الفاظ محکوم کرده و گفته است که فرد انتحارکننده مواد همراهش را در داخل مسجد منفجر کرده است. وزارت داخله آمار تلفات این رویداد را ۳۰ کشته و ۴۰ زخمی اعلام کرده است.

کمیسون مستقل حقوق بشر اما گفته است که در این رویداد بیش از ۵۰ تن از مردم ملکی به‌شمول تعدادی از کودکان کشته شده‌اند.

لحظاتی پس از وقوع این رویداد، طالبان گفتند که این حمله کار آن‌ها نیست. اما چند ساعت بعد از آن، داعش با نشر اعلامیه‌ی کوتاهی در سایت «اعماق»، مسئولیت این حمله را عهده گرفته و گفت یک جنگجوی این گروه، حمله‌ی مذکور را انجام داده است.

موج محکوم‌سازی حمله‌ی دیروز
این حمله واکنش‌های زیادی در پی داشته و شماری از مقام‌های دولتی افغانستان و نهادها این حمله را محکوم کرده‌اند.

ارگ ریاست‌جمهوری با نشر اعلامیه‌یی گفته که رییس‌جمهورغنی «حمله‌ی وحشیانه بالای نمازگزاران و عبادت‌کنندگان در مسجد باقرالعلوم را به شدیدترین الفاظ تقبیح کرد.»

براساس این اعلامیه، آقای غنی این رویداد را «عمل نابخشودنی و جنایت بزرگ» و کار «دشمنان مردم افغانستان» عنوان کرده و گفته است که حمله بالای «اماکن مقدس و مذهبی دشمنی آشکار با اسلام و مردم افغانستان» است. او همچنان این گونه رویدادها را «تلاش برای نفاق‌افگنی» در افغانستان عنوان کرده است.

عبدالله عبدالله، رییس اجرائیه نیز با نشر اعلامیه‌یی ضمن محکوم کردن این رویداد آن را کار «تروریستان جنایتکار و انسان‌ستیز» خوانده و گفته است: «این اقدام فجیعانه و وحشیانه‌ی گروه‌های تروریستی در امن‌ترین و مقدس‌ترین مکان دینی به‌منظور هدف قراردادن مسلمانان اوج بی‌رحمی، شقاوت و جهالت آنان را نشان می‌دهد که در هیچ دین و قانونی توجیه و منطقی ندارد. این جنایت را گروه‌های تروریستی انجام می‌دهند که به هیچ دین و مذهب، قوم و تبار و ارزش و قانونی خاص وابسته نیستند.»

آقای عبدالله از مردم افغانستان خواسته که برخلاف توقع آنانی که در صدد ایجاد نفاق و تفرقه در میان مردم‌اند پاسخ تروریستان را با اتحاد و همدلی میان مسلمانان نشان دهند.

وزارت امور داخله، عاملان این رویداد را « دشمنان سوگندخورده‌ی مردم افغانستان» خطاب کرده است. هیأت معاون سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در اعلامیه‌یی این حمله را محکوم کرده و پرنیل کاردیل، معاون نماینده‌ی خاص سرمشقی ملل متحد برای افغانستان گفته است: «یوناما در برابر تلاش‌های اخیر افراط‌گرایان که خشونت فرقه‌یی را در افغانستان دامن می‌زند، مراتب انزجار خود را اعلام می‌کند.»

او افزوده: «تحمل و مدارای مذهبی و قومی از ارزش‌های اساسی مردم افغانستان هستند و من از مسئولین افغان می‌خواهم تا برای دفاع از افغان‌ها با اعتقادات مختلف، هر چه در توان دارند انجام دهند.»
سفارت امریکا در کابل نیز با نشر اعلامیه‌یی این حمله را شدیداً محکوم کرده و گفته است «با انجام دادن این

حمله‌ی مرگبار در یک مسجد در غرب کابل

۳۲ تن کشته و ۸۵نفر زخمی شدند

حمله، دشمنان صلح و ترقی افغانستان یکبار دیگر بی‌توجهی و عدم حرمت خود در برابر شعائر دینی و ارزش‌های هم‌زیستی نشان دادند.»

اعلامیه تأکید کرده ایالات متحده و همکاران بین‌المللی‌شان متعهداند که همچنان در کنار مردم افغانستان باقی خواهند ماند.

شورای علمای شیعه‌ی افغانستان این رویداد را یک «عمل ددمنشانه و بزدلانه» خوانده و بدون اشاره به گروه و جریان مشخصی گفته است که عاملان این رویداد «جریان‌های منحرف افراطی» اند.

شورای علمای شیعه در بیانیه‌یی از دولت و ارگان‌های ذریبط خواسته است تا عاملان این رویداد «غیرانسانی و اسلامی» را شناسایی و مجازات کنند.

در بیانیه آمده: «زندگی مسالمت‌آمیز و اخوت اسلامی برادران شیعه و سنی در افغانستان همیشه زاینزد بوده و همچون خاری در چشم دشمنان اسلام و بدخواهان وحدت ملی ما بوده و خواهد ماند. بدون شک برادران سنی و شیعه کمافی‌السابق با جدیت تمام بر تحکیم اخوت اسلامی در کشور تأکید خواهند داشت.»

کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان ضمن محکوم کردن این حمله، چنین حملات را خلاف ارزش‌های اسلامی، انسانی و جنایت جنگی عنوان کرده است. در اعلامیه‌ی این نهاد آمده است «عمل امروز اگر از جانب نیروهای طالبان و یا دیگر نیروهای مخالف دولت صورت گرفته باشد، می‌تواند جرایم جنگی و حتا جنایت جنگی تلقی گردد.»

کمیسون مستقل حقوق از دولت افغانستان خواسته تا این قضیه را به‌طور جدی مورد تحقیق و بررسی قرار داده و عاملان آن را شناسایی و مجازات نماید.

حمله در مسجد باقرالعلوم چهارمین حمله در چهار ماه گذشته است که یک گروه و مذهب خاص در آن هدف قرار می‌گیرد. در حمله‌ی انتحاری بر تظاهرات جنبش روشنایی در دوم اسد، حمله بر عزادران عاشورا در زیارت‌گاه سخی کابل و عزادان عاشورا در ولسوالی بلخ ولایت بلخ مردمان شیعه مذهب هدف قرار گرفتند.

افغانستان تاکنون در مقایسه با کشورهای دیگر اسلامی شاهد خشونت‌های فرقه‌یی و مذهبی نبوده است و مردمان آن از هر مذهب و فرقه به‌صورت مسالمت‌آمیز کنار هم زندگی کرده‌اند. اما یک سلسله حملات اخیر نشان‌دهنده‌ی این است که خشونت در افغانستان ابعاد تازه‌یی به‌خود می‌گیرد و نگرانی‌ها نیز از آغاز خشونت‌های مذهبی در کشور است.

عبدالله: امیداریم مجلس بودجه‌ی ملی سال ۱۳۹۶ را تایید کند

دیروز (دوشنبه، اول قوس) مجلس: «روند استیضاح از سوی مجلس ختم است و سه قوه باید مطابق قانون عمل کنند، ولسی جرگه هیچ تقابلی با هیچ نهادی ندارد؛ مشرانو جرگه گفته که میان حکومت و مجلس پادرمیانی می‌کند، نظر خوبی است ولی ما می‌گوییم که با حکومت در تقابل نیستیم و پادرمیانی هم ضرورت نیست.»

تقابل حکومت با مجلس نمایندگان پس از استیضاح گروهی ۱۶ وزیر و ردصلاحیت هفت وزیر صورت می‌گیرد.

حکومت پس از استیضاح وزیران، موضوع را برای تفسیر ماده‌ی قانون اساسی به دادگاه عالی راجع کرد و در نشست فوق‌العاده‌ی کابینه فیصله کرد که وزیران تا اعلام تصمیم نهایی دادگاه عالی به وظایف‌شان ادامه دهند.

اما مجلس تصمیم حکومت را نادرست خوانده و هشدار داد هرگاه وزیران رد صلاحیت شده به وظایف‌شان ادامه دهند و حکومت نامزدوزیران جدید را به مجلس معرفی نکنند، مجلس سند بودجه‌ی ملی سال ۱۳۹۶ را تایید نخواهد کرد.

نخستین شرکت تولیدی ترانسفارمر در کابل گشایش یافت

خصوصی باید برابر با معیارها باشد.

آقای محقق افزود: «حکومت باید در سرمایه‌گذاری توجه جدی داشته باشد و به این شرکت نیز کمک کند تا تولیدات‌شان به فروش برسند.»

به اساس آمارهای وزارت تجارت و صنایع، هم اکنون ۸۰ درصد اقلام برقی به ارزش ۲۰۰ میلیون دالر از بیرون کشور وارد می‌شود.

وزارت تجارت گفته است، ۶۰۰ میلیون دالر در بخش تجهیزات و وسایل برقی در سراسر کشور سرمایه‌گذاری شده است.

که یک رکن اساسی، مشروعیت و قانونیت نظام است نمی‌باشد؛ درحالی‌که صلاحیت‌های مجلس نمایندگان در مورد استیضاح وزیران کاملاً واضح است؛ دراین مورد صحبت زیاد صورت گرفته و دلایل زیادی وجود داشته؛ اما استقامت‌های کاری وزرا به‌خصوص در مورد وزیر خارجه در روند استیضاح، در نظر گرفته نشده است.

او گفت: «در مورد جای و جایگاه شورای ملی، هی‌چگاه شک و سوالی در ذهن رهبری حکومت وجود نداشته و اهدافی که ما تعیین کردیم و برای مردم تعهد سپردیم، به همکاری متقابل و کار مشترک می‌توانیم به آن برسیم.»

مجلس: در تقابل با حکومت نیستیم

در همین حال مجلس نمایندگان در ادامه‌ی نگرانی‌ها از تقابل میان این نهاد قانونگذاری و حکومت بر سر روند استیضاح وزرای کابینه، می‌گوید که هیچ‌گونه تقابلی با هیچ نهادی ندارد و در این راستا به پادرمیانی نهاد دیگری نیز نیازی نیست.

ظاهر قدیر، معاون اول مجلس نمایندگان در نشست

اطلاعات روز: عبدالله عبدالله، رییس اجرائیه‌ی حکومت وحدت ملی روز گذشته در نشست شورای وزیران ضمن این‌که گفت تصمیم رهبری حکومت در قبال وزرا، به معنای تقابل با مجلس نمایندان نیست، ابراز امیدواری کرد که مجلس بودجه‌ی ملی سال ۱۳۹۶ خورشیدی را تایید کند.

آقای عبدالله افزود که برای تهیه‌ی سند بودجه‌ی عادی و توسعه‌یی افغانستان دقت زیادی شده تا این بودجه به‌صورت متوازن باشد. به گفته‌ی آقای عبدالله، اجرای این بودجه می‌تواند در زدودن فقر، ایجاد کاراییی، فراهم ساختن شرایط بهتر زندگی و رفاه مردم مؤثر باشد. او گفت که امیدوار است مجلس نمایندگان در تصویب بودجه با احساس مسئولیت عمل کند.

رییس اجرائیه همچنان ابراز امیدواری کرد که با تصمیم دادگاه عالی در پیوند به استیضاح و سلب صلاحیت هفت وزیر کابینه توسط مجلس نمایندگان، به مشکل ایجادشده میان حکومت و مجلس نقطه‌ی پایان گذاشته شود.

به گفته‌ی آقای عبدالله، حکومت در تقابل با شورای ملی

اطلاعات روز: نخستین شرکت خصوصی تولیدی و ترمیمی ترانسفارمر با همکاری انجینیران ترکی روز گذشته (دوشنبه، اول قوس) در کابل گشایش یافت.

این شرکت با هزینه‌ی شش میلیون دالر ایجاد شده که ظرفیت تولید ۹۰۰ ترانسفارمر را در سال دارد.

به نقل از تلویزیون آریانا نیوز، مسؤلان این شرکت می‌گویند تلاش دارند، تا ظرفیت برق تولیدی ترانسفارمرها را افزایش دهند.

عبدالستار رحیمی، رییس این شرکت گفته است: «گشایش این شرکت یک گام مؤثر در بخش اقتصاد کشور است.»

خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

لوی سارنوالی: آماده‌ی پذیرش سفارش‌های ریاست جمهوری هستیم!

چندی پیش پارلمان کشور تعدادی از وزرا را به دلیل ناتوانی در مصرف بودجه استیضاح کرد. یک مقداری از وزرای کابینه به دلیل مصرف نکردن بودجه ردصلاحیت شدند. اما بعضی از وزرا، هرچند که بودجه‌ی خویش را مصرف نکرده بودند، از پارلمان رای اعتماد گرفتند. زمره‌ها این بود که میان وزرا فرق وجود دارد، بعضی از این وزرا، حیثیت شوهر را دارند و در افغانستان شوهران همیشه زور و قابل اعتماداند.

داستان به این‌جا ختم نشد. حکومت استیضاح گله‌ی وزرا را غیر موجه دانست. رییس‌جمهور داستان را به لوی سارنوالی کشور تقدیم کرد و گفت شما فیصله کنید، این پارلمان مغز خورده، نمی‌فهمد. در ضمن از وزرای ردصلاحیت شده خواست که تا مشخص شدن فیصله‌ی لوی سارنوالی، هم‌چنان وزیر باقی بمانند. اگر بخت یار بود و لوی سارنوالی فیصله کرد که شما وزیر باشید، باشید. اگر هم فیصله کرد که دیگر بس است و جا برای باقی برادران خالی کنید، لطفاً بدون کدام سروصدا وزارت را ترک کنید که باد بیاید.

پارلمان کشور دید که رییس‌جمهور به تصمیم و فیصله‌ی آن‌ها به اندازه‌ی باد شکم «بچه‌ی خر» هم ارزش قابل نیست و از لوی سارنوالی کشور خواسته در این زمینه قضاوت کند، حکومت را تهدید کرد که اگر به فیصله‌ی پارلمان احترام نکند و وزرای سلب صلاحیت شده هم‌چنان به کارشان ادامه دهند، بودجه‌ی سال آینده را تصویب نخواهند کرد.

محترم داکتر عبدالله عبدالله که از معرکه بیرون مانده بود، احساس پوچی می‌کرد و هر روز از خودش می‌پرسید که یعنی چه؟ چرا باید میدان جنگ تنها میان ریاست جمهوری و پارلمان باشد؟ مگر ما خر قاضی را اعدام کرده‌ایم؟ نتیجه این شد که در ادامه‌ی این خرس جنگی‌های حکومت و پارلمان، وارد میدان شد و از پارلمان کشور در یک فضای اخوت اسلامی تقاضا کرد که بودجه را تصویب کنید. آقای عبدالله گفت که تصویب این بودجه در زدودن فقر، ایجاد کارایی و فراهم ساختن شرایط بهتر زندگی کمک می‌کند. وقتی از او سوال شد که چطور؟ گفت: من انشاءالله زیاد دقیق نمی‌فهمم که چطور، ولی فکر می‌کنم به یاری خدا هم‌تو خواهد شد.

با وارد شدن جلالت‌مآب داکتر عبدالله در معرکه، چانس پیروزی حکومت بیشتر شده. بسیاری از کارشناسان معتقدند که قصه‌ی پارلمان دیگر مفت شده. پارلمان که تصویب نکرد، ریاست جمهوری بودجه را به لوی سارنوالی ارسال می‌کند، باز ببینید که لوی سارنوالی طرف یک هفته تصویب می‌کند یا نه؟! اگر نکرد ببینید ریش ما کارشناسان را با داس تراش کنید.

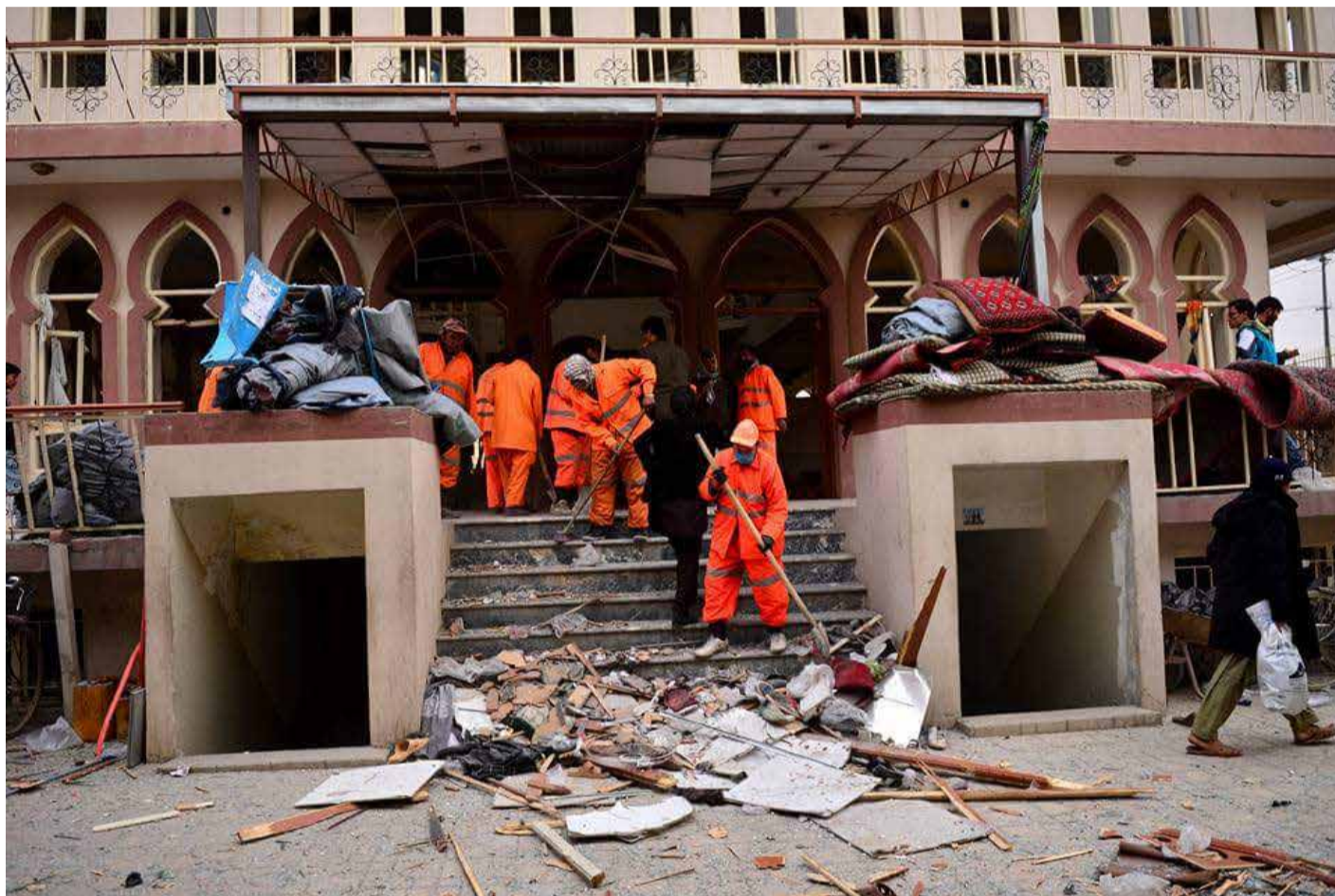
در همین حال تعدادی از وکلا که از برگزانشان انتخابات پارلمان خرسند به نظر می‌رسید، با ابراز لبخندی، داکتر صاحب عبدالله عبدالله را درک نمودند. یکی از این وکلا به خبرگزاری افغان پرس گفت: ببینید، روزگار چه برعکس شده! سابق بُز از قصاب می‌نالد، حالا قصاب از بُز می‌نالد. البته که بر پدر بُزها را لعنت که در طول تاریخ هیچ چربو نداشته و همواره مایه‌ی رنج قصاب بوده. چه کار کنیم دیگر، داکتر صاحب اشرف غنی در جلسه‌ی محرم با ما گفت که مصلحت همین است.

این در حالی است که تعداد دیگری از وکلا فکر می‌کنند که این‌جا کاسه‌ی زیر نیم کاسه است، حیف که پارلمان کشور صلاحیت برداشتن این نیم کاسه را ندارد تا ببیند چه کاسه‌ی زیر این نیم کاسه است. آن‌ها گفته‌اند که بیچاره وزیرانی که به دست ما رد صلاحیت شده‌اند. به خدا قسم اگر روز رای‌دهی این قدر که حالا زرنگ‌ایم و می‌فهمیم، زرنگ و فهمیده می‌بودیم، هرگز این کار را نمی‌کردیم. به هر حال، ما هنوز هم مشغول دفاع از حق مردم غریب و فقیر افغانستان هستیم و هرگز اجازه نخواهیم که وزرای برکنار شده دوباره به کارشان ادامه دهند. ما در کنار دیگر وکیل صاحبان قرار خواهیم داشت و تا آخرین تار موی از موضع برحق پارلمان دفاع خواهیم کرد.

از طرف دیگر یکی از نمایندگان لوی سارنوالی گفت که لوی سارنوالی افتخار می‌کند که منبع حل مشکلات ریاست جمهوری شده. ما آماده‌ی پذیرش سفارش‌های ریاست محترم جمهوری محمد اشرف غنی هستیم و برای تصویب بودجه‌ی سال آینده (اگر پارلمان آن را تصویب نکرد) لحظه‌شماری می‌کنیم. وی از رییس‌جمهور خواست که در فکر پارلمان و وکلا نباشد، چرا که آن‌ها الحمدلله نه نزد مردم اعتبار دارند، نه نزد حکومت. بهتر است حکومت هم آن‌ها را جدی نگیرد.

انفجار ناعقلانیت

عمران راتب



انجامد و چه سرنوشتی برای آن رقم زده شد؟ این‌جاست که نمی‌توان رخداد روز گذشته و رخدادهای چندگانه‌ی که یکی پی دیگر در این‌جا و آن‌جا اتفاق می‌افتد را فهم کرد. زیرا می‌بینیم که همان قطعیت و سختی موجود در مرجع واحد، در هر یک از این شاخه‌ها نیز وجود دارد. بنابراین، این یک مسأله‌ی تفسیری نیست و بلکه قبل از همه، نقدی است بر امکان‌های تفسیر و تأویل. پس این‌جا می‌بایست با عقلانیت که تفسیر را نمی‌توان از آن جدا کرد، تعیین نسبت نمود: امر عقلانی، امری است تفسیرپذیر و طبعاً گشوده و دموکرات؛ با قطعیت که اغلب در خشونت‌های قاتلانۀ نمود می‌یابد رابطه‌ی معکوس دارد. از این‌رو، به‌سادگی نمی‌توان وحشت فوق تصور نهفته در خشونت‌ها و رخدادهایی که رخداد دیروز یکی از نمونه‌های آن‌هاست، را بار تفسیری و عقلانی داد. آن باوری که به‌خود اجازه می‌دهد با طرد تفسیری که می‌تواند از بار خشن و سخت رویکردها بکاهد، در حادثه‌های هولناک انسان‌کشی واقعیت خود را آشکار کند، بیش از این‌که نسبتی سراسری با خرد و عقلانیت داشته باشد، نماینده‌ی مستقیمی از یک جهالت و ضدعقلانیت است.

خودتخریبی و یا خودبرونگرگی عقیده و باوری، نه دیالکتیک روش‌مندی دارد و نه می‌تواند با تفسیر رسالت آن کاهش قطعیت‌ها و جزمیت‌هاست - رابطه‌ی برقرار کند. در این موقعیت، مواجهه‌ی درست به نیت فهم مسأله، تفسیر سوه‌ظن آن است، به این‌معنا که در عقلانی بودن آن، باید شک کرد. تجربه‌های مکرر و رخدادهای وحشت‌آوری که حداقل پیامد آن کشتن چند انسان است، دست‌کم در افغانستان، حقیقت این ادعا را ثابت کرده است. بر این اساس، رخدادهایی را که از سوی معتقدان به یک باور به‌خاطر کشتن انسان‌های هم‌باورشان به‌وقوع می‌پیوندند و اوج آن را در فاجعه‌ی دوم اسد و سپس در شب‌وروزهای عاشورا مشاهده کردیم، نمی‌توان جز «انفجار ناعقلانیت» و توحش، نام دیگری داد. و این واقعیت، بیش از پیش افق را برای یک زندگی انسانی و سالم تار و تلخ می‌سازد. در این وضعیت، حکومت هر اقدامی را هم که اتخاذ کند، قادر به حل بنیادین مسأله نیست و در واقع آن اقدامات نیز در امتداد و به‌خاطر پاک کردن صورت مسأله انجام می‌شوند.

معنای این گفتار، این است که ما دو خواست‌گاه متعارضی که در سطح عام (دین‌باوری) با هم مشترک باشند و در رویکردهای عقیدتی و ترتیبات اجتماعی و استنتاج‌ها راه‌شان از هم جدا شوند، نداریم. بنیاد یک چیز است و بقیه‌ی مواردی که به‌مثابه‌ی وجه تمایز میان شاخه‌ها عمل می‌کنند، رویکردهایی‌اند که این شاخه‌ها در برابر اعمال و شیوه‌ی دست‌رسی به آن‌ها روی‌دست می‌گیرند. بنابراین، این تفاوت‌ها چیزی بیشتر از یک مسأله‌ی روشی نیست و با مرجع کاری ندارد. بدین‌لحاظ، فرمول توصیفی از مُدافذه‌ی نهاد و برابر نهاد در این‌جا حیثیت یک امر لغو و بی‌معنا را دارد.

با این حساب، چگونه می‌توان با این رخدادها تعیین نسبت نمود؟ جایگاه عقلانیت در این عرصه‌ها کجاست؟ آن‌چه که بر اساس مشاهده و تجربه به‌دست می‌آید، مؤید این حقیقت است که ماجرا از این زاویه ناقص است. یعنی عقلانیت به‌مثابه‌ی منطقی و محرک اعمال و چارچوب و راهنما، جایگاه و منزلتش را در نهاد و متن باور از دست داده است. جدالی که میان فرقه‌هایی با بنیاد و مرجع واحد پدید می‌آید، در ظاهر شکل یک سوءتفسیر از مرجع و استلزامات آن را به‌خود می‌گیرد، واقع اما این است که یک سوءتفسیر، هیچ‌گاه به خشونت تا سرحد ویرانی نمی‌انجامد. تفسیر یک امر عقلانی است و بیشتر در جهت فهم بهتر و عقلانی‌تر از مرجع و نحوه‌ی ارتباط دادن آن با واقعیت‌های جاری استفاده می‌شود. لیکن تخالفی که نتیجه‌ی آن قتل نفس و تباهی زندگی است، به چیزی عمیق‌تر از سوءتفسیر ربط می‌گیرد. رخدادی که از یک خلا سر برمی‌کشد و به کشتن انسان‌ها ختم می‌شود، نه اقدامی است در راه فهم انسانی‌تر از باورها و اندیشه‌ها، بلکه نمودی است از عبوری بنیادی از عقلانیت.

می‌توان مسأله را این‌گونه بیان کرد: باوری که قطعیت و ثبات تنها وجه مشخصه‌ی آن است، چرا اساساً باید به تکثر رویکردها بینجامد؟ و این، یک شکست است در بنیادهای معرفتی آن باور از آن‌حیث که قطعیت و تصلب آن در همین مرحله نابود می‌شود و مرزهایش درز برمی‌دارند. اما اگر این امر را به حساب تفسیر حسن ظن گذارده و از آن نوعی از امکان تکثر و تضاعف را نتیجه بگیریم، باید بلافاصله متوجه پیامد آن شد و این سوال را از خود پرسید که پس این تکثر و تضاعف، به کجا

روز گذشته در جریان مراسم چهلم عاشورا در مسجد باقرالعلوم واقع در جاده‌ی کاتب سمت غرب کابل، انفجاری رخ داد که طبق گزارش‌های رسمی، ۳۲ نفر در آن کشته شدند. شاهدان صحنه اما، میزان تلفات در این رخداد را بیشتر از ۵۰ تن می‌خوانند. حالا ظاهراً وضعیت به‌گونه‌ی واقع شده که خیلی مهم نیست اگر ندانیم تلفاتی که یک رخداد سبب می‌شود، ۵۰ نفر باشد یا ۱۰۰ نفر و یا هم یک مقدار دیگر. سران حکومت وحدت ملی در هر صورتش، چیزی آماده و آشنایی در چنته دارند که گویا می‌تواند پاسخ تمام این تباهی‌ها را بدهد. آن چیز، «محکومیت با شدیدترین الفاظ» است و احیاناً هرازگاهی جیغ و هیاهوی مبارزه‌ی جدی علیه «دشمنان اسلام و افغانستان» که در عرصه‌ی عمل، هیچ‌گاهی نشده برآیند آن به ظهور برسد. البته صدور اعلامیه‌های شسته-رفته‌ی تکراری و همه‌روزه، اقدامی است که سال‌هاست هم حکومت و هم مردم، آن را آخرین دوی درد ناتمام‌شان دانسته‌اند. ولی چیزی که تاکنون به تمامی روشن نگشته، این است که نمی‌توان تباهی در حال رشد و بالندگی امروزی را با این‌گونه برخوردها از میان برداشت. این رویه‌ی از ماجرا است.

رویه‌ی دیگر و جدی‌تر ماجرا اما این است که چه چیزی در یک جامعه و در متن یک باور اتفاق می‌افتد که آن باور، شکل خودتخریب‌گر را به خود می‌گیرد؟ چرا باید دین‌داری، بر اساس عقیدت دینی خود دین‌دار دیگری را در حالتی از بین ببرد که باور هر دو در یک‌جا ریشه دارد؟ نمی‌توان پاسخ‌های روتین و منقذی همیشگی به این پرسش داد. زیرا شکل‌گیری یک روند خودتخریب‌گر، نشان از یک تناقض درونی در قلمرو یک باور دارد. این تناقض از کجا می‌آید؟ رویکردی که غالباً می‌توان در مواجهه با این وضعیت اختیار کرد، تبیین مسأله بر اساس رجوع به نهادها یا جوهرهای برساننده‌ی باورهای متفاوت است که تعارض آن‌ها سبب خلق فاجعه می‌گردد. اما در رخدادهایی شبیه رخداد روز گذشته، این رویکرد پاسخ خوبی برای ما ندارد. زیرا در جریان راه، متوجه می‌شویم که از قضا ما با نهاد واحدی روبه‌رویم که عبارت از یک باور دینی است و فرقه‌هایی که اکنون به جان هم افتاده نیز همه برخاسته از همین نهادند و با این اعتبار، در نسبت به ذات یا نهاد دین، دارای یک موقعیت پسینی و عرضی‌اند.

سرزمین‌های درهم‌شکسته: جهان عرب چگونه فرو پاشید؟

نیویورک تایمز / اسکات اندرسون ■ ترجمه: معصومه عرفانی

قسمت بیست و سوم

فصل پنجم: مهاجرت (۲۰۱۵-۲۰۱۶)



سال گذشته، تعدادی از ناظران به تدریج به این باور می‌رسیدند که ممکن است شیوهی سختگیرانه‌ی اندیشیدن او بهترین، یا به عبارت مناسب‌تر، تنها مسیر رهایی از این باتلاق را نشان بدهد. دوباره ساختن و ترمیم ملت‌های درهم‌شکسته‌ی منطقه کاری غیرممکن به نظر می‌رسید و سرخوردگی‌های ناشی از این امر باعث شده بود که تعداد روزافزونی از دیپلمات‌ها، جنرال‌ها و دولتمردان، همان گونه‌ی از جدایی‌های قومی و فرقه‌ی را پیشنهاد بدهند که آذر طرفدارش بود، البته در قالبی کمتر خشونت‌آمیز. اتفاقاً مدلی که آن‌ها می‌توانستند برای بهترین راه انجام این کار از آن بهره بگیرند، دولت منطقه‌ی کردستان بود. دولت منطقه‌ی کردستان، به مدت ۲۵ سال، به‌عنوان یک گروه شبه‌نظامی پایدار وجود داشت که تنها در اسناد و به نام، بخشی از عراق به حساب می‌رفت. شاید پاسخ به این بحران، تکرار این الگو در سایر بخش‌های عراق و ایجاد دولتی با سه شاخه، به جای دولت کنونی که به دو بخش تقسیم شده است، باشد. به سنی‌ها «دولت منطقه‌ی سنی‌ها» داده شود با تمام امکاناتی که کردها در حال حاضر از آن برخوردار هستند: رییس دولت، مرزهای داخلی، نیروی نظامی مستقل، و دولت مدنی. عراق می‌تواند هنوز روی اسناد و نقشه‌ها وجود داشته باشد، و مکانیسمی می‌تواند طراحی شود که تضمین کند درآمد نفت به شکل منصفانه میان هر سه بخش تقسیم می‌شود. در صورتی که این الگو در عراق کارآمد باشد، شاید این راه‌حل آینده برای لیبی بالکانیزه‌شده (تقسیم‌شده به بخش‌های کوچک و متخاصم) و سوریه‌ی ازهم‌پاشیده باشد.

با این همه، حتا طرفداران چنین ایده‌ی نیز تصدیق می‌کنند که اجرای این طرح جداسازی کار آسانی نخواهد بود. با شهرهایی که جمعیت آن‌ها به شدت «مختلط» است، مانند بغداد یا حلب، چه باید کرد؟ در عراق، بسیاری از قبایل به زیرشاخه‌های سنی و شیعه تقسیم شده‌اند، و در لیبی، پراکندگی‌های جغرافیایی به قرن‌ها قبل بازمی‌گردد. آیا این مردم قبیله و فرقه‌ی خود را انتخاب می‌کنند یا وطن خود را؟ درحقیقت، موارد مشابهی در تاریخ نشان می‌دهند که در پیش گرفتن این مسیر ممکن است بسیار آسیب‌زننده و مرگ‌بار باشد. سیاست «جداسازی آلمان» پس از جنگ در شرق اروپا و تقسیم شبه‌قاره‌ی هند در سال ۱۹۴۷، شاهدی بر این امر هستند. اما با وجود امکان وقوع فاجعه‌ها و تلفات انسانی در مسیر رسیدن به این هدف، ممکن است که این آخرین و بهترین گزینه‌ی موجود برای پیشگیری از غرق شدن کشورهای شکست‌خورده‌ی خاورمیانه در کشتارهایی به مراتب وحشیانه‌تر باشد.

اگرچه مشکل اصلی این‌جاست که به محض آغاز چنین تقسیمی، پیش‌بینی پایان آن بسیار دشوار است. درست در لایه‌ی پایینی شکاف‌های قومی و مذهبی که حمله به عراق و بهار عربی بازگشایی کرده است، قبیله‌ها و خاندان‌ها و زیرشاخه‌هایشان قرار دارند. و در این زمینه، دولت منطقه‌ی کردستان نه تنها نمی‌تواند الگو باشد، بلکه یک هشدار است.

دولت منطقه‌ی کردستان - سرزمین کوچکی به اندازه‌ی غرب ویرجینیا در امریکا - به دلیل وجود دو قبیله‌ی متخاصم خود، در همه‌چیز به دو بخش تقسیم شده است: دو رهبر دولت، دو ارتش. برای مدت کوتاهی این شکاف در مواجهه با تهدید داعش و تمایل به نشان دادن جهه‌ی متحد به جهان خارج، پوشانده شده بود، اما در حقیقت مانند یک جریان پنهانی در همه جا حضور دارد. هم‌چنین، سرنوشت غم‌انگیز ایزدی‌ها را نیز می‌توان با توجه به همین مساله توضیح داد. همان‌گونه که آذر اشاره کرده بود، هر کسی، هرچقدر ساده‌اندیش بود هم می‌توانست ببیند که داعش در ماه اگست ۲۰۱۴ دقیقاً به کدام سمت روانه است، اما از آن‌جا که ایزدی‌ها خارج از ساختار رسمی قلمرو دولت کردستان قرار داشتند و برخوردار از هیچ‌گونه اتحاد سنتی با هیچ‌کدام از جناح‌های رقیب نبودند، تاحد زیادی در دفاع از خود تنها ماندند. علی‌رغم تمام بهانه‌هایی که سیاستمداران و جنرال‌های دولت منطقه‌ی کردستان ارایه می‌کنند، این حقیقتی غیرقابل انکار است که اگر ساکنان سنجان، بارزانی یا طالبانی بودند، آن فاجعه به‌هیچ‌روی اتفاق نمی‌افتاد.

این همان مسیری بود که ده‌ها هزار نفر از ایزدی‌های وحشت‌زده در زمان فرار از حمله‌ی اگست سال ۲۰۱۴ از آن عبور کردند. در تمام طول جاده، انبوهی از لباس‌های پاره و کهنه وجود داشت که آن‌ها در زمان فرار کنار جاده رها کرده بودند.

آذر در حالی که به سمت این تکه‌پارچه‌ها نگاه می‌کرد، زیر لب گفت: «قبلا خیلی بیشتر بود. هر طرف پراکنده بود.» وقتی به بالا رسیدیم، وارد فلاتی شدیم که ۲۵ مایل وسعت داشت. خیمه‌های هزاران نفر از خانواده‌های ایزدی که هنوز خانه‌ی برای بازگشت به آن نداشتند، در این سو و آن سو برپا شده بود. مرکز تاریخی جامعه‌ی ایزدی‌ها، زمین‌های پستی که به تازگی از آن گریخته بودند نیست، بلکه همین کوهی است که در حال حاضر روی آن اردوگاه زده‌اند. روی دامنه‌های تپه‌های اطراف چادرهای آن‌ها، روستاهای آباواجدادی آن‌ها با خانه‌های خشتی و تراس‌های قدیمی قرار داشته‌اند، اما در دهه‌ی ۱۹۷۰، صدام حسین سربازان خود را به‌عنوان بخشی از برنامه‌ی ضدکردها برای نابودی آن‌ها فرستاده بود. پس از آن یزیدی‌ها ناچار در زمین‌های آن منطقه خانه کرده بودند. کنترل و زیر نظر گرفتن ایزدی‌ها در آن منطقه به‌راحتی صورت می‌گرفت، و البته، زمانی که چهار دهه بعد داعش به آن‌ها حمله کرد، قتل عام آن‌ها نیز ساده‌تر بود.

تا مدت‌زمان کوتاهی پیش از آن، ممکن بود آذر به دلیل افکار رادیکال جدایی طلبانه‌اش به‌عنوان یک بیگانه‌ترس، یا حتا یک فاشیست در نظر گرفته شده باشد، اما پس از دیدن نتایج سبعیت داعش، و با توجه نفرت‌های گسترش یافته در سراسر خاورمیانه در چند

برگشت تا با انگشت به نقطه‌ی در کوه سنجان اشاره کند که شاید در فاصله‌ی چهار مایلی شمالی قرار داشت.

داکتر در حالی که صدایش از خشم دورگه شده بود، گفت: «پیشمرگه‌ها درست در آن نقطه بودند. داعش این مردم را برای کشتن به این‌جا آورده است تا ما ببینیم. آن‌ها راجع به کارشان فکر کرده بودند. آن‌ها این کار را عمداً برای تحقیر ما انجام دادند.»

در بازگشت به مرکز سنجان، آذر خیلی زود به سمت سالن شهر رفت که یکی از معدود سازه‌های هنوز قابل استفاده بود. او به یک مقام ارشد اشاره کرد که در پی او برود. برای حدود یک ساعت پس از آن، این دو نفر به شدت گرم گفت‌وگو بودند، و با اشاره‌ی دست، هر پیشمرگه‌ی را که می‌خواست نزدیک شود دور می‌راندند. پس از آن، آذر از من به دلیل این‌که برای مدت طولانی منتظر مانده بودم عذرخواهی کرد. او صحبت‌هایشان را برابم بازگو کرد: «من به او گفتم که باید تمام خانه‌های عرب در این‌جا را نابود کند. اما او مردد بود. او فکر می‌کند بهتر است آن‌ها را به ایزدی‌هایی بدهیم که بازمی‌گردند. اما من گفتم نه. در نهایت تعدادی از آن عرب‌ها نیز با عنوان و ادعاهای خود بازمی‌گردند تا خانه‌ها را پس بگیرند، بنابراین بهتر است آن‌ها را نابود کنیم و هیچ چیزی برای آن‌ها باقی نگذاریم تا به خاطرش بازگردند و از نو شروع کنند. حالا او حرف مرا متوجه شده است.» زمانی که از او پرسیدم آیا مطمئن است آن مقام طرح او را اجرا می‌کند، آذر سری تکان داد و گفت «او به من قول داده است. من از او قول گرفته‌ام.» آن روز عصر، ما از جاده‌ی با پیچ تند که به سمت خارج شهر و بالای کوه سنجان می‌رسید، پیش رفتیم.

آذر گفت: «چرا که نه؟ آن‌ها همه‌چیز را از دست داده‌اند.»

زمانی که دو جنگجوی پیشمرگه ما را به سمت زمین بایری در فاصله‌ی کوتاه از شهر و در نزدیکی خط مقدم جدید هدایت کردند، همه‌چیز به مراتب وحشتناک‌تر و تکان‌دهنده‌تر شد. در نقطه‌ی پایانی این میدان، مهندسان پیشمرگه در حال برش یک سنگر تانکی بودند و نیروهای داعش در چند مایلی جنوب قرار داشتند. اما کمی دورتر، سه تپه‌ی نامنظم در اطراف یک جوی آب فصلی دیده می‌شد. از این تپه‌ها اسنادی بیرون زده بودند که خبر از کشتاری در این منطقه می‌دادند: استخوان‌ها و مجسمه‌های انسان، کفش‌های خاکی، دسته‌هایی از پارچه‌های گره‌خورده که به‌عنوان چشم‌پند استفاده می‌شده است. در طی باران‌های ۱۵ ماه گذشته، برخی از بقایای گورهای دسته‌جمعی بیرون ریخته بود، به طوری که این رودخانه‌ی خشک، از لباس‌های زنانه، کفش‌ها و دندان‌ها پر شده بود. هیچ‌کدام از این گورها هنوز حفاری نشده بودند. مقامات انتظار داشتند یک تیم از متخصصان پزشکی قانونی جنایی به آن‌جا برود. اما می‌توان تخمین زد که آن‌جا میدان اعدام حدود ۳۰۰ ایزدی بوده است که بسیاری از آن‌ها یا زنانی سالخورده بودند که نمی‌توانستند برده‌ی جنسی داعش شوند، و یا کودکانی بیش‌ازحد کوچک که هیچ استفاده‌ی برای داعش نداشتند.

آذر برای نیم ساعت در سکوت در میان گورها قدم می‌زد، اما من متوجه شدم که هر لحظه آشفته‌تر می‌شود و بعد دیدم که در حال گریستن است. به کنار او رفتم تا از او بپرسم حالش چطور است و این‌که اگر او می‌خواهد، از آن‌جا برویم. او ناگهان

چهلکده

سخن‌سازان هاتفا

تصویب بودجه؛ مانع جدید لای چرخ حکومت؟

عرفان مهران

یادم از مزرع خویش آمد...

تروریست‌های طالب و داعش برای فرو راندن جامعه به غرقاب خشونت و بی‌اعتمادی به هر تجمعی حمله خواهند کرد. اما از آنجا که آنان معمولاً انتحاری‌ها را برای حمله به تجمعات می‌فرستند و افراد انتحاری برای آنان حکم سرمایه‌های کمیاب را دارند، سعی می‌کنند تجمعاتی را به‌عنوان آماج حمله انتخاب کنند که از لحاظ بازده سیاسی حاصل فراوان داشته باشد. حمله بر مندوی کابل یا فرستادن انتحاری بر سر یک چهارراه برای آنان آن قدر مفید نیست که به خاطرش افراد فدایی خود را از دست بدهند. اما حمله بر تجمعات مذهبی شیعیان می‌تواند آتش جنگ مذهبی را برافروزد و مردم شیعه را در برابر دولت نیز به‌شدت حساس کند.

حال، سوال این است که چرا مساجد و محل‌های تجمع مذهبی هزارها و شیعه‌ها از نظر بحران‌زایی برای تروریست‌ها ارزشمند شده‌اند؟ فارغ از آن که مذهب در کشورهایی چون افغانستان غالباً مایه‌ی حساسیت و نزاع‌های آشکار و نهان بوده (گیرم که همواره جنگ انبوه تولید نکرده باشد)، تردیدی نیست که دولت‌های عربستان سعودی و ایران در چهار دهه‌ی گذشته تا توانسته‌اند جهد کرده‌اند که تنور نزاع‌های مذهبی در افغانستان را به جهنمی تمام‌قد تبدیل کنند. عربستان با حمایت‌های بی‌دریغ از گروه‌های رادیکال و تروریستی رفته‌رفته به این مقصود خود نزدیک می‌شود که شکل و درونمایه‌ی فکر و رفتار مذهبی در میان اهل تسنن را به گونه‌ی بنیادین مسخ کند و پیروان سنتی این مذهب را به نفع پیروان وهابیسیم ستیزه‌جو به حاشیه براند. از آن سو، جمهوری اسلامی ایران با تمویل و تشجیع گروه‌های رادیکال مذهبی شیعه در افغانستان همواره سعی کرده تشیع سنتی و محلی مردم شیعه‌ی افغانستان را به جریان‌های شیعی افراطی در ایران و خاورمیانه وصل کند و در ظرف اعتقادات ساده‌ی شیعیان افغانستان مایه‌های زهرآگین به‌اصطلاح «تشیع انقلابی» را بریزد. حالا که کم‌کم قیح حمله بر مساجد و تجمعات دینی نیز می‌ریزد و تروریست‌های رادیکال مسلمان بر آن‌اند که بافت آشنای تعاملات درون‌دینی در افغانستان را کاملاً ویران کنند، وقت آن است که بزرگان مذهبی شیعه و سنی از خواب گران تقلید از عربستان سعودی و ایران برخیزند و بر لبه‌ی پرتگاهی بسیار خطرناک نزاع‌های مذهبی ندای بازگشت به فرهنگ تسامح مذهبی در دهند. افراطی‌هایی که در این همه‌سال به‌دستور اربابان پولدار خاورمیانه‌ی خود سنی‌های افراطی و شیعه‌های رادیکال پرورش دادند، حالا آن‌چه را کشته‌اند می‌دروند. اما واقعیت آن است که وقتی مزرعه‌ی حیات صلح‌آمیز مردم آتش گرفت، خود این بنده‌گان بی‌مقدار که به نام مبلغ مذهب به ترویج خشونت دست می‌زنند، نیز در آن آتش خواهند سوخت.



و تخصیص بودجه برای پروژه‌های انکشافی، روند تصویب آن را با کندی مواجه خواهد ساخت. دو مشکل فوق از مشکلات اساسی فراراه تصویب طرح بودجه‌ی سال آینده می‌باشد. به نظر می‌رسد هر دو مشکل فوق به‌سادگی قابل حل نیستند و قطعاً تصویب بودجه با کشمکش‌ها و جنجال‌های بیشتری به همراه خواهد شد و در نهایت تا تصویب کامل زمان زیادی را در بر خواهد گرفت. با توجه به این‌که تا پایان سال مالی جاری و آغاز سال مالی جدید فقط یک ماه دیگر باقی است، حکومت باید بیشتر از هر وقت دیگر نگران باشد. به نظر نمی‌رسد اختلافات موجود بر سر وزیران ردصلاحیت‌شده‌ی کابینه به این سادگی حل شود و یا حکومت موفق شود افراد جدیدی را برای کرسی‌های وزارت‌خانه‌ها معرفی کند. این کار در هر صورت، حکومت را با آغاز سال جدید مالی با چالش‌های جدی مواجه خواهد کرد و عدم تصویب طرح بودجه از سوی مجلس مانع جدیدی لای چرخ حکومت خواهد بود.

ظاهراً حکومت راه‌های دیگری در اختیار ندارد تا بتواند در صورت عدم تصویب طرح بودجه‌ی سال آینده از سوی مجلس، نیازمندی‌های مالی خود را به‌واسطه‌ی آن برطرف سازد. این مساله می‌تواند عملکرد حکومت را بیشتر از این مختل سازد و کارآمدی آن را زائل کند. حکومت وحدت ملی که از آغاز کار خود به بحران‌های مختلف گرفتار بود، به نظر می‌رسد بار دیگر گرفتار بحران جدیدی شده است که به زودی قابل حل نخواهد بود. در حالی که حکومت وحدت ملی دو سال عمر خود را صرف حل اختلافات داخلی و تشکیل کابینه کرد، اکنون به نظر می‌رسد که باید عمر باقی‌مانده‌ی خود را صرف حل‌وفصل دعاوی حقوقی و سیاسی با نمایندگان مجلس و ترمیم مجدد کابینه‌اش سازد.

ظاهراً حکومت راه‌های دیگری در اختیار ندارد تا بتواند در صورت عدم تصویب طرح بودجه‌ی سال آینده از سوی مجلس، نیازمندی‌های مالی خود را به‌واسطه‌ی آن برطرف سازد. این مساله می‌تواند عملکرد حکومت را بیشتر از این مختل سازد و کارآمدی آن را زائل کند. حکومت وحدت ملی که از آغاز کار خود به بحران‌های مختلف گرفتار بود، به نظر می‌رسد بار دیگر گرفتار بحران جدیدی شده است که به زودی قابل حل نخواهد بود. در حالی که حکومت وحدت ملی دو سال عمر خود را صرف حل اختلافات داخلی و تشکیل کابینه کرد، اکنون به نظر می‌رسد که باید عمر باقی‌مانده‌ی خود را صرف حل‌وفصل دعاوی حقوقی و سیاسی با نمایندگان مجلس و ترمیم مجدد کابینه‌اش سازد.

یک مشکل دیگر نیز ممکن است به‌شکل بالقوه در طرح بودجه‌ی سال آینده وجود داشته باشد که روند تصویب آن را با تاخیر مواجه سازد. این مشکل چگونگی اختصاص بودجه‌ی انکشافی است. عدم توازن و عدم رعایت عدالت در تخصیص بودجه به ولایات و مناطق دوردست کشور و همچنین واحدهای بودجوی دیگر، ممکن است کشمکش‌های جدیدی را در روند تصویب بودجه‌ی سال آینده در میان اعضای مجلس به‌وجود آورد. تجربه‌ی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که این مساله نیز کشمکش‌های فراوانی را در مجلس به‌وجود می‌آورد و روند تصویب آن همواره با مشکلات جدی مواجه می‌باشد. بدون شک این مساله امسال نیز در طرح بودجه وجود دارد و چگونگی توزیع

موضوع تصویب بودجه‌ی سال آینده پس از استیضاح و سلب صلاحیت وزیران کابینه از سوی مجلس نمایندگان، نگرانی‌هایی را در حکومت ایجاد کرده است. مقام‌های ارشد حکومتی بارها نسبت به عدم تصویب بودجه از سوی مجلس نمایندگان ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند که عدم تصویب بودجه می‌تواند اثرات منفی را روی برنامه‌های حکومت به جا بگذارد. به‌تازگی عبدالله عبدالله رییس اجرائیه از نمایندگان مجلس خواسته است که بودجه‌ی سال جدید را به تصویب برسانند.

طرح بودجه‌ی سال آینده چندی قبل از سوی وزارت مالیه به پارلمان کشور ارائه شده است. این طرح نیازمند تصویب پارلمان می‌باشد تا حکومت بتواند از آن مستفید شود. مساله‌ی عدم تصویب بودجه زمانی مطرح شد که نمایندگان مجلس شماری از وزیران کابینه را به دلیل عدم مصرف بودجه‌ی سال جاری استیضاح و سلب صلاحیت کردند و از حکومت خواستند که افراد جدیدی را برای وزارت‌خانه‌ها جهت اخذ رای اعتماد مجلس به این نهاد معرفی کند.

پس از آن‌که موضوع سلب صلاحیت وزیران را به دادگاه عالی کشور ارجاع کرد، نمایندگان مجلس هشدار دادند که در صورت عدم معرفی افراد جدید برای وزارت‌خانه‌ها، آن‌ها بودجه‌ی سال جدید را به تصویب نخواهند رساند. اخیراً برخی منابع از نمایندگان مجلس نقل‌قول کرده بودند که اکثر نمایندگان در این زمینه هم‌نظراند در صورتی که حکومت به معرفی افراد جدید در وزارت‌خانه‌ها اقدام نکند، نمایندگان در اقدام متقابل از تصویب طرح بودجه‌ی سال آینده سرباز خواهند زد. بنابراین، به‌نظر می‌رسد در کشمکش جدید میان حکومت و پارلمان بررسی طرح بودجه‌ی سال آینده از دستور کار پارلمان خارج خواهد شد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سردبیر: خلیل پژواک
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگر: الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: hussainjoya2014@gmail.com
- dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.

بگو مگو  facebook

انگلا مرکل آمادگی اش را برای نامزدی دوباره در پست صدراعظمی آلمان اعلام کرد

مرکل در دوره صدراعظمی اش بحران‌های متعددی را از جمله بحران بدهی منطقه یورو در سال ۲۰۰۸ را پشت سر گذاشته است و اکنون با انتقاداتی درباره پذیرش نزدیک به یک میلیون پناهجو مواجه است. حزب راستگرای «آلترناتیو برای آلمان (AfD)» که حزبی ضد مسلمانان شناخته می‌شود از منتقدان اصلی سیاست‌های مرکل در خصوص پناهجویان است. این حزب در ماه‌های گذشته توانسته به حامیانش بیافزاید و گفته می‌شود احتمالاً در انتخابات آینده ۱۲ درصد رای خواهد داشت.

این فاکتورها را بر اساس ارزش‌های مان که همانا دموکراسی، آزادی، احترام به قانون، شان و منزلت همه‌ی انسان‌ها مستقل از پیش زمینه‌هایی مانند رنگ پوست، مذهب، جنسیت، گرایش جنسی یا موقعیت سیاسی است، انجام دهم.»

انگلا مرکل که اکنون ۶۲ سال دارد برای نخستین بار در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان صدر اعظم بزرگترین اقتصاد اروپا انتخاب شد. بر اساس نظرسنجی‌ها حدود ۶۰ درصد رای دهندگان آلمانی می‌خواهند که مرکل دوباره نامزد شود.

اطلاعات روز: انگلا مرکل، صدراعظم آلمان تایید کرده که در انتخابات پاییز سال ۲۰۱۷ میلادی برای چهارمین بار نامزد پست صدراعظمی آلمان خواهد شد. او به خبرنگاران گفته که آماده است دوباره برای این پست نامزد شود.

به نقل از یورو نیوز، صدراعظم آلمان در سخنانی گفت: «وقتی پای سیاست به میان می‌آید، مسأله همواره متعادل کردن منافع، سازش، پیشرفت، اقداماتی که برای جلو رفتن به طور گام به گام باید پیش گرفت، می‌باشد و من همیشه تلاش کرده‌ام که

آتش‌بسی یمن با نقض آن به طور رسمی پایان یافت

عربی نیز پیش از پایان آتش‌بس اهدافی را در صنعا، پایتخت یمن بمباران کرده‌اند. عربستان سعودی تلاش می‌کند تا عبد ربه منصور هادی، رئیس‌جمهور یمن را بار دیگر به قدرت بازگرداند. شیعیان حوثی که از سوی ایران حمایت می‌شوند دو سال پیش هادی را از صنعا بیرن راندند.

ساعت در این کشور برقرار شد. ائتلاف عربی گفته بود در صورت پایبندی حوثی‌ها به آن، آتش‌بس تمدید خواهد شد.

اکنون به‌دلیل آن‌چه نقض آتش‌بس از سوی شیعیان گفته شده، تمدید آن ممکن نخواهد بود.

این در حالی‌ست که شاهدان عینی گفته‌اند ائتلاف

اطلاعات روز: در یمن آتش‌بس دو روزه پیش از ظهر دوشنبه به پایان رسید.

ائتلاف عربی به‌رهبری عربستان سعودی دلیل قطع آتش‌بس را نقض آن توسط شورشیان حوثی در حملات این گروه عنوان کرده است.

آتش‌بس از ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه به مدت ۴۸

حذف سارکوزی، اولین شگفتی مبارزات انتخاباتی در فرانسه

بوروکراسی حاکم بر فرانسه را داده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که انتخابات ریاست‌جمهوری به دور دوم کشیده خواهد شد و راست‌های میانه به همراه راست‌های تندروی جبهه ملی در دور دوم با هم رقابت خواهند کرد. بسیاری از تحلیلگران می‌گویند که همانند انتخابات گذشته، در دور دوم دو حزب چپ میانه و راست میانه در ائتلافی نانوخته مانع پیروزی راست‌های تندرو به رهبری مارین لوپن خواهند شد.

رئیس‌جمهور فرانسه بود، پنج سال قبل رقابت برای مقام ریاست‌جمهوری را به فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور کنونی این کشور واگذار کرد.

در دور اول این انتخابات، آلن ژوپه، در مقام دوم ایستاد. هم آقای فیون و هم آقای ژوپه سابقه نخست‌وزیری فرانسه را دارند.

دور دوم انتخابات درون حزبی هفته‌ی آینده برگزار می‌شود.

از آقای فیون به‌عنوان میانه‌روترین نامزد در میان نامزدهای کنونی جمهوری خواهان نام می‌برند.

او در فعالیت‌های انتخاباتی خود وعده مبارزه با

اطلاعات روز: گام اول انتخابات داخلی در حزب راست میانه‌ی فرانسه با شگفتی همراه بود. نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق این کشور که یکی از بخت‌های اصلی برای نمایندگی کردن حزب جمهوری‌خواهان در انتخابات سال آینده محسوب می‌شد شکست خورد.

به نقل از یورو نیوز، آقای سارکوزی بلافاصله پس از اعلام نتیجه آرا شکست را پذیرفت و حمایت خود را از فرانسو فیون، نامزد پیشتاز در انتخابات درون حزبی اعلام کرد.

نیکولا سارکوزی، از حزب جمهوری‌خواه که

دیدهبان حقوق بشر: بیش از ۱۲۰۰ خانه مسلمانان در میانمار از بین برده شده‌است

کرده‌اند. فعالان روهینگیا می‌گویند که بیش از ۱۰۰ نفر در جریان عملیات نیروهای امنیتی کشته و صدها نفر نیز بازداشت شده‌اند. سربازان ارتش میانمار به موارد زیادی از نقض حقوق بشر از جمله تجاوز، شکنجه و اعدام متهم شده‌اند که دولت کاملاً رد کرده است.

مسلمانان روهینگیا شهروند میانمار محسوب نمی‌شوند و اغلب با تبعیض رو به رو هستند. مقام‌های سازمان ملل متحد بارها از وضعیت مسلمانان میانمار ابراز نگرانی کرده و خواهان اقدام فوری مقام‌های این کشور شده‌اند.

بسیاری از مردم میانمار، مسلمانان ساکن ایالت راخین را مهاجران غیرقانونی از بنگلادش می‌دانند. خشونت‌های قومی میان بوداییان که اکثریت جمعیت میانمار را تشکیل می‌دهند و اقلیت مسلمان روهینگیا صدها کشته بر جای گذاشته و هزاران نفر خانه و کاشانه خود را از دست داده و آواره شده‌اند.

بی‌بی‌سی به طور مستقل نتوانسته است که وسعت نابودی روستاهای مسلمان نشین را تایید کند، زیرا دولت میانمار ورود خبرنگاران بین‌المللی به منطقه را ممنوع کرده است.

دولت میانمار می‌گوید مسلمانان روهینگیا خودشان خانه‌های خود را آتش می‌زنند تا توجه جهانیان را جلب کنند.

دیدهبان حقوق بشر در روز ۱۳ نوامبر نیز تصاویر ماهواره‌ای از نابودی ۴۳۰ ساختمان در مجموع سه روستای مسلمان نشین را منتشر کرده بود.

اما از هتای، سخن‌گوی ریاست‌جمهوری در واکنش، این سازمان را متهم به «بزرگ‌نمایی» کرد. ارتش میانمار دسترسی به مناطق حساس در ولایت راخین را ممنوع کرده اما نتوانسته جلوی انتشار عکس و تصاویر ویدیویی را بگیرد که در شبکه‌های اجتماعی به طور وسیعی دست به دست شده‌اند.

علاوه بر آن، شاهدان عینی از کشته شدن ده‌ها غیر نظامی به دست مأموران امنیتی این کشور گزارش

اطلاعات روز: دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید تصاویر تازه‌ی ماهواره‌ای از ایالت راخین در میانمار (برمه‌ی سابق) نشان می‌دهد که طی هشت هفته‌ی اخیر بیش از ۱۲۰۰ خانه مسکونی در روستایی که ساکنان آن را اقلیت مسلمانان روهینگیا تشکیل می‌دهند، نابود شده است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، این سازمان همچنین تصاویری را منتشر کرده است که نشان می‌دهد تنها بین روزهای دهم تا هجدهم نوامبر ۸۲۰ ساختمان در این روستا نابود شده است.

تدابیر امنیتی در شمال راخین از اوایل ماه اکتبر و پس از وقوع حمله‌ی غافلگیرانه به یکی از ایست‌های بازرسی تشدید شده است. گفته می‌شود در جریان این حمله ۹ مأمور پولیس کشته شدند. دولت میانمار مسلمانان روهینگیا را به انجام این حمله مسلحانه متهم کرده و طبق گزارش‌های رسمی، جستجوی ارتش برای یافتن «عاملان این حمله» به کشته شدن و دستگیری ده‌ها نفر منجر شده است.

واکنش تند ایران و سوریه به طرح جدید ملل متحد

خبر داده‌اند. گروه‌های حقوق بشری می‌گویند که بیش از ۱۵۰ فرد ملکی، پس از آغاز مجدد حملات نیروهای دولتی که شش روز قبل شروع شد، کشته شده‌اند. سازمان ملل متحد می‌گوید که حدود ۲۷۵ هزار نفر در شرق شهر حلب گیر مانده‌اند.

در تازه ترین تصاویر که در رسانه‌های اجتماعی به نشر رسیده است، دیده می‌شود که کودکان از مخروبه‌های یک شفاخانه بیرون کشیده می‌شوند. این شفاخانه به روز جمعه مورد یک حمله‌ی هوایی قرار گرفت.

دولت بشارالاسد دست داشتن در این حمله را رد کرده، اما ملل متحد خواستار بررسی بیطرفانه‌ی این واقعه شده است.

سنتفن دی میستورا، نماینده‌ی خاص ملل متحد برای سوریه گفته است که به آنان باید اجازه داده شود تا گروه حقیقت‌یابی را به شفاخانه‌های خساره مند در «شرق و غرب حلب» اعزام دارند.

شمالی یا ناتو، از ایالات متحده و کشورهای دیگر خواست تا پیشنهاد حکومت ترکیه مبنی بر ایجاد یک ساحه‌ی ممنوعه‌ی پرواز در سوریه را مورد غور مجدد قرار دهند.

آقای اردغان همچنان خطاب به شرکای ناتو گفته است که «بگذارید ترکیه نیروهای محلی را آموزش و تجهیز کند. با این کار ما بازسازی، بخصوص ساحات رهاشده را دوباره آغاز کرده می‌توانیم، البته اگر شما از ما حمایت پولی کنید.»

آقای اردوغان همچنان افزوده که بدون نقش ترکیه منعیث یک حایل میان سازمان‌های دهشت‌افگن و بقیه جهان، «تورریستان همه جهان را به خون و آتش مبدل خواهد کرد.»

حمله‌ی مرگبار بر شفاخانه

در همین جنگ میان نیروهای حکومتی و مخالفان مسلح رژیم بشارالاسد در حلب تشدید یافته و گروه‌های حقوق بشر از تلفات سنگین در آن جا

اطلاعات روز: دولت سوریه پیشنهاد ملل متحد مبنی بر ایجاد یک «ساحه‌ی خودمختار» در شرق شهر حلب را رد کرده و این کار را نقض حاکمیت ملی سوریه خوانده است.

طرح اعلام ساحه‌ی خودمختار در شرق حلب را، ستیفن دی میستورا، نماینده‌ی خاص ملل متحد پیشنهاد کرده است.

وزارت خارجه‌ی ایران نیز در برابر طرح پیشنهادی ملل متحد برای حلب، واکنش نشان داده و آن را طرح «کوتاه مدت و بیپنده» می‌خواند که به گفته‌ی سخن‌گوی وزارت خارجه‌ی ایران، «مثل تمام پلان‌های قبلی، ناکام خواهد شد.»

به نقل از صدای آمریکا، ولید المعلم وزیر خارجه‌ی سوریه می‌گوید که ملل متحد و حامیانش در منطقه، باید تمویل گروه‌های مسلحی را که در برابر حکومت دمشق می‌جنگند، توقف دهند.

در همین حال، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه دیروز در یک نشست پارلمانی پیمان اتلانتیک



Hamza Vaezi

ترسناکی رخداد باقرالعلوم

حادثه‌ی تلخ مسجد و مدرسه‌ی «باقرالعلوم» جانسوز و المناک است. اما آنچه سوزناک‌تر است پیامدهای این فاجعه است. تشدید خشونت مذهبی و ترویج تنازع فرقه‌یی همان خوف عظیمی است که باید ما را به تأمل و تفکر و تعقل سیاسی وا دارد. ناتوانی و یا کاهلی و احتمال چشم‌پوشی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی نسبت به کشف و پیش‌بینی چنین دسیسه‌هایی، به‌شدت نگران‌کننده و ترس‌آور است.

تکرار و ترویج الگوی عراق و سوریه و یمن و لبنان در افغانستان، تکثیر همان جهنمی خواهد بود که هستی نداشته‌ی این کشور و تن زخم‌دار این جامعه را متلاشی خواهد ساخت. سران سیاسی و سرداران مذهبی - قومی با درگیر شدن بر سر لاشه‌ی گندیده و استخوانی قدرت، از این خطر عظیم و بحرآن حجیم غافلند و چه بسا با همراهی سیاست‌های منطقه‌یی کشورهای داعیه‌دار خاورمیانه، آتش برخرمن زندگی مردمان خاکسترنشین این سرزمین می‌افروزند.

برچیده شدن تدریجی بساط داعش از عراق و سوریه و فعال شدن دیپلماسی عربستان در افغانستان، پازل‌هایی هستند که در جغرافیای سیاسی افغانستان چیده می‌شوند. کشتار ده‌ها مسجدر و بیگانه در مدرسه و مسجد باقرالعلوم، نشانه‌ها و پیش درآمد‌هایی از این نوع رخداد‌های سیاسی و عواقب رویکرد‌های دیپلماتیک منطقه‌یی در عرصه‌ی افغانستان می‌باشد.

تا امروز، افغانستان با همه‌ی ندری‌ها و بدبینی‌های زندگی سیاسی - اجتماعی‌اش، حداقل در یک حوزه، درخشان و مثال‌زدنی است و آن، تساهل و تسامح و شکبایی تعامل مذهبی در جهان متفرق و متجاهل مسلمانان بود. سنی‌های افغانستان در تعامل با شیعیان، دوستانه‌ترین رفتار شهروندی را داشته‌اند و شیعیان این کشور، پشتگرم به برادری مذهبی، آزادانه‌ترین زندگی اجتماعی - مذهبی را تجربه می‌کردند، با این درک و دریافت، گرفتن این چانس تعامل مداراگرانه و برادرانه از مردم افغانستان، بزرگ‌ترین و درخشان‌ترین بهانه‌ی صلح و سلامت را از این مردم باز می‌ستانند و افغانستان را بسان همان کشتارگاهی می‌سازند که هر ساله میلیون‌ها گوسفند را برای تقرب به خداوند در مکه، قربانی می‌کنند!

هوشیار باشیم و نگذاریم این تعامل و برادری درخشان ما، گوسفند قربانی دسیسه‌های عیاشان ریاض و قطر بحرین گردد. این زیباترین شانس و فخرترین خرد جمعی را بازبچه‌ی ددان سیاست و قدرت و عصیبت جاهلانه قرار ندهیم!



Mohammad Azizi

به متولیان دین و مذهب!

شرایط موجود و تعقیب اهداف بیگانگان در افغانستان، بر همه معلوم است و نیاز به هیچ تحلیل و کارشناسی ندارد. همه می‌دانیم که تقابل ایران و عربستان از سوریه تا یمن و از لبنان تا افغانستان، با خشن‌ترین وضع ممکن جریان دارد و هر روز ده‌ها کشته و زخمی برجا می‌گذارد.

با این حال، چه می‌توانیم جز این‌که زمینه‌های این تقابل و انتقام و عرصه‌های انجام آن را از بین ببریم؛ و اگر از بین برده نمی‌توانیم، حداقل کم کنیم و از وقوع آن و حجم تلفات آن بکاهیم!

یکی از راه‌های کاهش حواض و حملات تکفیری-انتحاری، کم کردن تجمعات و کاهش دادن برنامه‌های مذهبی- جمعی در محدوده‌ی جامعه و سطح شهر است. هیچ‌کس مخالف دین و مذهب و مراسم و محافل مذهبی- دینی نیست و به فراموشی و بیزاری از آن دعوت نمی‌کند؛ اما حداقل برای حفظ جان خود و هم‌نوعان خود، باید برگزاری مراسم و محافل جمعی- مذهبی را کم کرد و برای حفظ اقتدار دین و مذهب و وحدت ملی- میهنی مردم این سرزمین هم که شده، خود را و مردم را طعمه‌ی انتحاریان بی‌هوش و گوش نساخت.

این سال‌های حرام می‌گذرد و آتش این فتنه فرو می‌نشیند، اما تا آن وقت باید مراقب بود که آب‌ها از آسیاب نیفتد و شکوه دین و مذهب، در شکست شکوه و اقتدار مردم دینی- مذهبی، توسط اجانب از بین نرود.

مردم باید باشند تا دینداری کنند و مذهبی باشند؛ در نبود مردم، نه دینی درکار است و نه مذهبی برقرار و استوار؛ از عصیبت‌ها و لجاجت‌های مان بکاهیم، جان مردم را نگهداریم و حیات و حرمت شان را پاسداریم؛ ورنه دهم‌زنگ‌ها، کارته سخی‌ها، باقرالعلوم‌های زیاد دیگری هم از خون و گوشت و پوست و استخوان مردم رنگین خواهد شد و هیچ مرجعی هم به مرگ و زخم و درد و داد شان نخواهد رسید!



Waheed Omer

ناکارایی ما به‌عنوان یک دولت، پراگندگی ما به‌عنوان یک ملت و بی‌اعتنایی و محافظه‌کاری ما به‌عنوان نسل مسئول باعث می‌شود تا هر روز اطفال بیگناه ما در خون بغلظند. یا باید کمر بسته کنیم و برای آینده اطفال ما از گوشه‌ی آرام بیرون برویم و یا شاهد این ستم تاریخی بر اطفال خود تا آینده‌های دور باشیم. اطفال ما قربانی ناکارایی، پراگندگی، بی‌اعتنایی و محافظه‌کاری ما هستند.

۲ هفته و ۳ بازی سرنوشت‌ساز برای بارسلونا

بارسلونا در لالیگا و پس از تساوی خانگی مقابل مالاگا، اوضاع چندان خوبی در مقایسه با رئال مادرید ندارد. تساوی بدون گل مقابل مالاگا با برد رئال در زمین اتلتیکو همراه شد تا فاصله آبی‌اناری‌ها با رئال مادرید صدرنشین به ۴ امتیاز افزایش یابد. کمتر کسی تصور می‌کرد که بارسا حتی در غیاب مسی و سوارز نتواند از پس مالاگا بر بیاید و در سوی دیگر، رئال بتواند در زمین اتلتیکو سه گل به این تیم بزند.

آبی‌اناری‌ها حالا خود را برای مصاف با سلتیگ در لیگ قهرمانان مهیا می‌کنند. بارسا فعلا با کسب ۹ امتیاز، صدرنشین گروه C است و این تیم را سیتی با ۷ و گلابدباخ با ۴ امتیاز تعقیب می‌کنند.

بارسا قصد دارد با کسب پیروزی در زمین سلتیگ (فردا چهارشنبه) صدرنشینی خود را تداوم بخشیده و صعودش به یک هشتم نهایی را قطعی کند. آبی‌اناری‌ها اگر سلتیگ را شکست داده و سیتی نتواند از پس گلابدباخ بر بیاید، قطعا به عنوان تیم اول راهی یک هشتم نهایی خواهند شد. بارسلونا پس از بازی با سلتیگ، یک‌شنبه آینده در آنتوتنا، بازی حساسی مقابل سوسیداد پیش رو دارد. از سال ۲۰۱۰ تاکنون، بارسلونا ۶ بار به زمین سوسیداد رفته، ۵ بار شکست خورده و یک تساوی کسب کرده است. از سال ۲۰۰۷ نیز بارسا موفق به شکست سوسیداد در زمین این تیم نشده است.

همان روز، رئال یک بازی خانگی ساده مقابل خیخون پیش رو دارد و لغزش بارسا ممکن است فاصله این تیم با رئال را افزایش دهد.

پس از بازی با سوسیداد، ال‌کلاسیکو از راه خواهد رسید. ۱۳ قوس در نوکمپ، بارسا میزبان رئال خواهد بود و اگر موفق به کسب پیروزی نشود، مسیر رئال برای ادامه صدرنشینی‌اش را هموارتر خواهد کرد.

رکوردشکنی زیدان در لالیگا، بالاتر از پپ و مورینیو

زین الدین زیدان، سرمربی رئال مادرید، از زمانیکه هدایت این تیم را بر عهده گرفته توانسته موفق‌ترین نتایج ممکن را با کلهکشانی‌ها کسب کند.

کسب عنوان قهرمانی اروپا با رئال و نیز فتح سوپرکاپ اروپا، هیچکدام برای منتقدان زیدان کافی نبودند و آن‌ها همچنان اعتقاد داشتند که زیدان طرح و ایده خاصی ندارد و رئال بدون برنامه در زمین حاضر می‌شود؛ اما برتری ۳-۰ دو شب پیش در زمین اتلتیکو، مهر سکوتی زد بر منتقدان زیرو.

رئال با مصدومان پرشمار در دربی مادرید حاضر شده بود اما زیدان با انتخاب سیستم ۴-۲-۳-۱ و گذاشتن رونالدو در پیشانی حمله و ایسکو پشت سر وی، توانست سیم‌تونه را مات کند.

با این پیروزی، حالا او در ۳۲ بازی اولی که در لالیگا روی نیمکت رئال نشسته، توانسته ۸۳ امتیاز برای کلهکشانی‌ها کسب کند که بیش از هر مربی دیگری در تاریخ لالیگا است؛ حتی بالاتر از پپ گواردیولا، مورینیو و لوئیس انریکه.

در این مدت رئال در لالیگا ۲۶ پیروزی، ۵ تساوی و تنها یک شکست کسب کرده است.

از ۲۷ فیروری گذشته که رئال در خانه به اتلتیکو باخت، این تیم دیگر شکستی را تجربه نکرده و ۲۸ بازی متوالی است که این روند ادامه داشته است. زیدان با رئال در این ۲۸ بازی توانسته ۱۵ امتیاز بیشتر از اتلتیکو و بارسلونا جمع کند و با زدن ۷۳ گل، تنها دو گل از بارسلونا کمتر به ثمر رسانده است؛ هرچند با ۱۹ گل خورده، آمار بهتری از بارسلونا دارد (۲۱ گل خورده).

دوری ۸ هفته‌ی دروازه‌بان دورتموند از میادین

رومن بورکی، دروازه‌بان دورتموند تا پایان سال جاری میلادی به علت شکستگی دست قادر به همراهی تیمش نخواهد بود.

دروازه‌بان ۲۶ ساله سوئسی در دیدار مقابل بایرن مونیخ از ناحیه دست دچار شکستگی شد و به زودی در بیمارستان ناپس شافت شهر براکل زیر تیغ جراحی خواهد رفت و بدین ترتیب ۸ هفته از میادین به دور خواهد بود.

او مقابل بایرن سومین کلین شیتش در چهار بازی اخیر را به ثبت رساند و تیمش را تا رده‌ی سوم جدول بالا کشاند و حالا آن‌ها سه امتیاز با بایرن رده دومی و شش امتیاز با لایپزیگ صدر جدولی فاصله دارند. تا بازگشت او به میادین، رومن وایدنفلر، دروازه‌بان با تجربه آلمانی جانشین او خواهد شد.



گواردیولا: با این روند قهرمان نمی‌شویم

پپ گواردیولا، سرمربی منچستر سیتی مدعی شد که اگر تیمش در ادامه فصل مثل دیدار با کریستال پالاس بازی کند، چانسسی برای قهرمانی نخواهد داشت. سیتی موفق شد با دو گل یحیی توره، ۱-۲ در سلهورت پارک به برتری برسد. با این حال این پیروزی نیز به سختی برای گواردیولا حاصل شد. حال سرمربی اسپانیایی مدعی شد که اگر روندشان همین باشد، قهرمان لیگ نخواهند شد.

او گفت: «به شاگردانم گفتم که فوتبال بسیار بزرگ است. ناراحتی مربی‌ها روی نیمکت برای پیدا کردن رموز بازی است. گاهی خیلی دشوار است زیرا مثل بازی با اورتون، ساوتهمپتون و میدلزبورو، در خانه بازی می‌کنیم، عملکرد خوبی هم داریم ولی پیروز

کلوپ: نباید نگران حریفان دفاعی باشیم

یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول مدعی شد که به شاگردانش گفته نباید نگران حریفانی باشند که دفاعی بازی می‌کنند.

شاگردان کلوپ در دیدار مقابل ساوتهمپتون موفق نشدند گولی به ثمر برسانند و در نهایت با تساوی ۱-۱ متوقف شدند. ولی سرمربی آلمانی که تیمش در ۱۲ بازی ۳۰ گل به ثمر رسانده انتقادی از رویکرد دفاعی ساوتهمپتون انجام نداد.

او گفت: «هیچ جای نگرانی وجود ندارد. نمی‌توان از حریف خواست که بی خیال، کمی به ما فضا بدهد. پیش از فصل باید روی این موارد کار می‌کردیم و وقتی که گفتم از عملکرد تیم مقابل ساوتهمپتون راضی هستیم، کاملا جدی گفتم زیرا واقعا راضی بودیم. بازی نبود که ۲۰ موقعیت داشته باشیم زیرا ۴ یا ۵ موقعیت داشتیم.»

مورینیو: رونی به خاطر کند بودن نیمکت‌نشین شد

ژوزه مورینیو، سرمربی منچستر یونایتد مدعی شد که وین رونی به خاطر کند بودن در دیدار مقابل آرسنال مورد استفاده قرار نگرفت. شیاطین سرخ در دیدار مقابل آرسنال عملکرد خوبی داشتند ولی در پایان ۹۰ دقیقه متوقف شدند. رونی بین نیمکت‌نشین‌ها بود و مورینیو خوان ماتا، مارسسیال و راشفورد را به او ترجیح داده بود. حال آقای خاص مدعی شد که رونی به خاطر سرعت

هوینس: آماده پذیرفتن ریاست بایرن هستم

نشست سالانه باشگاه بایرن مونیخ روز جمعه ۲۵ نوامبر برگزار خواهد شد که طی این مراسم، به غیر از صحبت درباره مسائل مالی، «اولی هوینس» اسطوره بایرن مونیخ، مجددا و بدون رقیب به ریاست بایرن مونیخ برگزیده خواهد شد. هوینس ۶۴ ساله و همسرش سوزی، هر دو نگاه مثبتی به این موضوع دارند. وی با وجود سن بالا و سپری کردن دوران سخت در زندان، بازنشسته نشده و هنوز هم توانایی بر عهده گرفتن چنین پست بزرگی را دارد. هوینس درباره فرار مالیاتی که نزدیک به ۵۰ میلیون یورو اعلام شده بود گفت: «اشتباهی کردم و پای آن ایستادم. من آن مسئله را جبران کردم و غرامت

پرداختم.»

بازگشت به ریاست بایرن: «من درباره تصمیم برای ریاست بایرن مونیخ و این که این سمت را دوست دارم با خانواده‌ام صحبت کردم و از آن‌ها خواستم من را درک کنند. همسر، سوزی با بازنشستگی من در ۶۴ سالگی مخالف است و دوست ندارد زود بازنشسته شوم. من نمی‌توانم هفت روز هفته برای ۲۴ ساعت کار کنم اما به خوبی کارها را سازماندهی خواهم کرد. بعد از پایان این دوره از ریاستم، من ۶۷ ساله خواهم شد و هنوز زمان زیادی برای فکر کردن درباره آینده وجود خواهد داشت. بسیاری از کارکنان بایرن مونیخ به من گفته‌اند که از بازگشتم بسیار خوشحال هستند.»

مورینیو: کریک قراردادش را تمدید خواهد کرد

ژوزه مورینیو، سرمربی منچستر یونایتد به تمجید از مایکل کریک پرداخت و از احتمال تمدید قرارداد او با یونایتد صحبت کرد.

کریک روز شنبه در دیدار مقابل آرسنال برای دومین بار در این فصل از ابتدا در ترکیب تیمش قرار گرفت و مورینیو از عملکرد این هافبک با تجربه به وجد آمده بود. در حالی که قرارداد کریک در آستانه به اتمام رسیدن است، مورینیو مدعی شد که قصد دارد آن را تمدید کند.

آقای خاص گفت: «مایکل ۳۵ ساله است. با بازی سنگینی که پشت سر گذاشت کمی دچار گرفتگی عضله شد که طبیعی است. دانستن این که زمان برای همه ما می‌گذرد و پا به سن می‌گذاریم تلخ است. او بازیکن فوق‌العاده‌ی است و همیشه دوستش داشتم ولی به جای این که وقتی ۲۵ ساله بود سرمربی‌اش باشم، حالا در ۳۵ سالگی‌اش سرمربی او هستم. درک خوبی از هم داریم. می‌دانیم که چه وقت می‌تواند بازی کند. می‌دانیم که چه زمانی آماده است و چه زمانی به استراحت نیاز دارد. من هنوز مایکل کریک را در اختیار دارم و شاید یک فصل دیگر هم این همکاری ادامه پیدا کند.»

دکو: علی‌رغم تمایل مورینیو به بارسلونا رفتم

دکو، ستاره سابق و پرتغالی بارسلونا اذعان داشت که علی‌رغم پیشنهادات چند تیم بزرگ، به بارسلونا پیوسته است. دکو در سال ۲۰۰۴ و با قهرمانی پورتو در لیگ قهرمانان به فوتبال اروپا معرفی شد و بعد از آن به بارسلونا پیوست. دکو دوران خوبی را در جمع آبی‌اناری‌ها سپری کرد اما با ورود گواردیولا، نام وی در لیست مازاد بارسا قرار گرفت. دکو گفت: «در آن سال تیم‌های مانند اینتر و چلسی خواهان من بودند و مورینیو نیز علاقمند بود تا با او به چلسی ملحق شوم. اما من همیشه رویای پوشیدن پیراهن بارسلونا را در سر داشتم و طرفدار این تیم بودم. نسلی که در آن پپ گواردیولا، روماریو و هرستو استویچکوف بازی می‌کردند تیم محبوب من بود و به همین دلیل در آن مقطع تصمیم گرفتم به پیشنهاد این تیم پاسخ مثبت دهم.» دکو بعد از ۴ سال بازی در بارسلونا و فتح لیگ قهرمانان با این تیم، در سال ۲۰۰۸ به تیم چلسی پیوست.

اوبامیانگ: با شکست بایرن به کورس برگشتم

پیر اوبامیانگ، ستاره جوان دورتموند معتقد است اگر آن‌ها موفق به شکست بایرن نمی‌شدند، کار دشواری برای حضور در کورس قهرمانی داشتند.

شنبه‌شب این هفته، دورتموند موفق شد در خانه و با تک گل دقایق ابتدایی اوبامیانگ از سد بایرن گذر کند.

اوبامیانگ گفت: «پیروزی برابر بایرن برای ما اهمیت زیادی داشت و حالا ما دوباره به کورس قهرمانی بازگشته‌ایم و من امیدوارم قادر به ادامه این روند باشیم. در حال حاضر ما باید تمرکز خود را به روی نتایج خودمان قرار دهیم و از نتایج دیگر تیم‌ها مایوس نشویم. پیروزی در برابر بایرن بسیار دشوار بود ما برای به دست آوردن آن به سختی تلاش کردیم. به همین دلیل من معتقدم دورتموند لایق پیروزی بود. بازی خاصی برای ما بود و هواداران نیز فضایی شگفت‌انگیز را در ورزشگاه ایجاد کرده بودند. ما از کسب این موفقیت بسیار خوشحال هستیم.»

اوبامیانگ در مورد تک به تکی که نیمه دوم از دست داد گفت: «موقعیت بسیار خوبی بود که بازی را به اتمام برسانم. کنترل مناسبی روی توپ نداشتم و این اتفاق بیانگر آن است که برای آینده باید تمرین بیشتری داشته باشم.»

رانیری: باید مراقب خطر سقوط باشیم

مدافع عنوان قهرمانی لیگ برتر فقط ۲ امتیاز با منطقه سقوط فاصله دارد و در ۶ بازی از ۱۲ بازی اش در این فصل متحمل شکست شده است. حال رانیری مدعی شد که تیمش باید مراقب احتمال سقوط به دسته پایین‌تر باشد.

او گفت: «نگرانی؟ نه ولی فصل گذشته من همیشه پشت سرم را نگاه می‌کردم. امسال هم همین‌طور. منطقه سقوط به ما خیلی نزدیک است و باید واکنش نشان دهیم. انتظار فصل سختی را داشتم ولی نه به این شدت. انتظار داشتم امتیازات بیشتری کسب می‌کردیم. چنین روندی پس از این که تیمی مثل لستر قهرمان لیگ می‌شود طبیعی است. حالا باید مستحکم باشیم و به سخت‌کوشی ادامه دهیم زیرا تنها یک درمان برای ما وجود دارد؛ سخت‌کوشی و اتحاد.»



عکاس، فیلم بردار و خبرنگار مصروف کار هستند.

موانع و چالش‌ها

اما در کنار همه‌ی این دستاوردها و مزایا، بعضی مهارت‌گسیختگی‌ها و مشکلاتی نیز در عرصه‌ی تلویزیون‌ها وجود دارد که می‌شود به‌عنوان یک چالش و خلای بزرگ رسانه‌ی مطرح کرد. چشمان تیزبین و حقیقت‌نگر فرهنگیان و پیش‌کسوتان جامعه، به‌راحتی می‌توانند این خلای‌گاه‌ها را مشاهده کنند که از آن جمله می‌توان روی معیاری نبودن نشرات و برنامه‌های بعضی تلویزیون‌ها، یک جانبه‌نگری، عدم رعایت احترام متقابل، تفرقه‌افکنی، بی‌توجهی به اصل خبرنگاری و رسانه‌ی، عدم رعایت توازن، افزایش ناامنی و قتل خبرنگاران و رسانه‌گران، برخورد نادرست با رسانه‌گران، یک جانبه‌نگری، بی‌نظمی در پرداخت معاش و مشکلات اداری در تلویزیون‌ها، از مهم‌ترین موانع و چالش‌های رسانه‌گری و تلویزیون‌داری در افغانستان به‌شمار می‌رود.

راهکارها

از نظر آگاهان و مسئولان، با وجودی که تلویزیون‌ها موفقیت‌های زیادی داشته، بازهم راه‌های ناپیموده‌ی زیادی وجود دارد که باید طی شود که از آن جمله: نشرات و پالیسی تلویزیون‌ها باید همیشه اصلاح و بازنگری شود. افراد صادق، با تجربه، متعهد و مسلکی باید در تلویزیون‌ها استخدام شوند. تلویزیون‌ها باید مطابق اولویت‌ها و نیازهای خانواده و زنان برنامه‌های خویش را تهیه و تنظیم نمایند. تلویزیون‌ها باید در تلاش مبارزه با افکار طالبانی، ضد حقوق‌بشری و افکار زن‌ستیزانه باشند. رسانه‌ها باید نیازمندی‌های اساسی و ضروری جامعه را درک کنند. تلویزیون‌ها باید همیشه در تلاش اصلاح فرهنگ و باورهای مردم باشند. تلویزیون‌ها باید در تلاش اعتمادسازی در وجود زنان و دختران باشند. الگوهای مناسب باید از طریق تلویزیون‌ها به مردم و خانواده‌ها نشر شود. زمینه‌ها و فرصت‌های دسترسی شهروندان به عدالت رسمی، باید از طریق تلویزیون‌ها بازگو شود.

نتیجه

۱- توسعه شبکه‌های تلویزیونی در افغانستان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پانزده سال گذشته به‌شمار می‌رود و در عرصه‌ی بیداری و رشد افراد جامعه و خانواده‌ها، بزرگترین نقش را بازی کرده است.
۲- اما تعدادی از تلویزیون‌ها به‌جای فرصت‌سازی، فرصت‌سوزی کرده و غالباً در پی نشر و ترویج افکار و ایده‌های ناسالم در میان مخاطبان‌اند. خانواده‌ها باید به‌جای استفاده از برنامه‌های مخرب و منفی تلویزیون‌ها، همیشه در سراغ برنامه‌های آموزنده و آگاهی‌بخش تلویزیون‌ها باشند.
۳- مسئولین تلویزیون‌ها و وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ، باید مطابق ارزش‌های دین مقدس اسلام و قانون اساسی، نشرات و پالیسی تلویزیون‌ها را تنظیم کند تا بتوان از این دستاورد کلان در افغانستان، بیشترین استفاده را کرد.

برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، شرکت گسترده‌ی زنان در مسایل انتخاباتی و سیاسی، از مهم‌ترین دستاوردهای تلویزیون‌ها به‌خصوص تلویزیون در مورد زنان به‌شمار می‌رود. آقای مجیب خلوت‌نگر رییس دفتر نی در کابل، در یک مصاحبه‌ی اختصاصی با ما می‌گوید که اگر رسانه‌گران برنامه‌ها و گزارش‌های معیاری تولید کنند و از حسادت، نفاق‌افکنی و قوم‌پرستی دوری نمایند و در واقعیت‌ها اعمال نظر شخصی نکنند، تلویزیون بزرگترین تأثیر را در بهبود وضعیت جامعه دارا می‌باشد. از نظر آقای خلوت‌نگر، رعایت دقت و حقیقت، اطلاعات کافی و لازم، حساسیت وقت، تازگی و ابتکار، تحلیل، منطقی بودن و رعایت نظم، منابع معتبر، جذابیت تصاویر، پرهیز از توهین و تحقیر به افراد و اشخاص، از مهم‌ترین عوامل موفقیت یک رسانه‌ی دیداری یا تلویزیون به‌شمار می‌رود. از جانب دیگر تاسیس صدها شبکه‌ی تلویزیونی در کشور، زمینه کارا برای هزاران جوان تحصیل‌کرده کشور فراهم کرده و همین اکنون هزاران دختر و پسر جوان و تحصیل‌کرده، در تلویزیون‌ها، بحث مجری،

بسیاری از تلویزیون‌ها هستند که به‌شدت در تلاش فرصت‌آفرینی برای خانواده‌ها و مردم هستند و بسیاری از تلویزیون‌های دیگر با نشر سریال‌های بی‌سروته و برنامه‌های غیرمعیاری و بی‌هدف، در حال سوختاندن فرصت‌های تعلیمی، خانوادگی و تحصیلی جوانان هستند. در مجموع جهت‌دهی افکار عامه، افزایش سطح معلومات عمومی در بین مردم و خانواده‌ها، افشا کردن چهره‌ی مفسدین، قدرت‌آفرینی و قدرت‌زدایی، جلوگیری از خودکامگی‌ها، بیدار ساختن افکار عمومی، فرهنگ‌سازی، رشد و معرفی استعدادها در عرصه‌های تعلیمی، تکنیکی، ورزشی و اقتصادی، از مهم‌ترین مزایا و فرصت‌های تلویزیون می‌باشد. از نظر مسئولان تلویزیون‌های آزاد افغانستان، تلویزیون‌ها بزرگترین نقش را در بهبود وضعیت زنان کشور نیز داشته است. به گفته‌ی این مسئولان، حضور گسترده‌ی زنان و دختران در مراکز تعلیمی، دسترسی زنان و بانوان به عدالت رسمی، تحصیلی، ورزشی، کاری و دفتری، قدرت‌دهی به زنان، معرفی چهره‌های موفق بانوان، تشویق زنان برای شرکت در تمامی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶، بیست‌ویکم نوامبر را به‌عنوان روز جهانی تلویزیون تعیین کرد. هدف از این اقدام، رشد برنامه‌های تلویزیونی در بخش توسعه و گسترش صلح در جوامع بشری، مبارزه با خشونت‌های خانوادگی، تحکیم اخوت و برادری، توسعه‌ی اجتماعی و مسایل فرهنگی خوانده شده است؛ زیرا تلویزیون یک رسانه‌ی پر مخاطب و پربیننده است و مرزهای جغرافیایی، قومی و منطقه‌ی را از بین برده است. از جانب دیگر تلویزیون در شکل دادن افکار عمومی و برجسته ساختن هنجارها و مشکلات جامعه نیز، بزرگترین نقش را دارا می‌باشد. تعدد و گوناگونی روش‌های استفاده از تلویزیون، تمویل شدن تلویزیون‌ها از طریق احزاب و نهادهای مختلف، منحصر شدن تلویزیون‌ها در قسمت تامین منافع حزبی، قومی، کشوری و منطقه‌ی و برخورد‌های سلیقه‌ی با این رسانه‌ی مهم، آسیب‌شناسی و دریاقت راهکارها را برای بهبود این رسانه در افغانستان، ضروری ساخته است. زیرا رشد و گسترش رسانه‌های تصویری به‌خصوص شبکه‌های تلویزیونی در افغانستان، یکی از دستاوردهای کلان یک دهه‌ی اخیر در کشور به‌شمار می‌رود و اکنون تلویزیون به‌حیث یکی از عناصر ضروری و برجسته در خانواده‌ها به‌حساب می‌آید. همان قسمی که رفتار و گفتار یک عضو خانواده بر یکدیگر مهم و تأثیرگذار است، برنامه‌های تلویزیونی نیز بالای اعضای خانواده تأثیرگذار می‌باشد. همه‌ی اعضای خانواده، زن و مرد، پیر و جوان و کودک، بی‌سواد و باسواد، پیام‌های مختلفی را از طریق تلویزیون دریافت می‌کنند. در این مقاله به‌مناسبت روز جهانی تلویزیون، فرصت‌ها، مزایا موانع و راهکارهای بهبود تلویزیون‌ها را در افغانستان به بررسی گرفته‌ایم.

فرصت‌ها و مزایا

پررنگ بودن حضور تلویزیون در خانواده‌ها، تراکم شبکه‌های تلویزیونی در افغانستان، متنوع بودن برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی، تأثیرگذاری تلویزیون را در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی و اجتماعی بیشتر ساخته است. فرصت‌سازی یا فرصت‌سوزی تلویزیون‌ها به‌نحوی استفاده‌ی خانواده‌ها از این ابزار و تلاش رسانه‌گران و مسئولان شبکه‌های تلویزیونی بستگی دارد. اگر از تلویزیون به شیوه‌ی درست و مدیریت‌شده استفاده شود، از فرصت‌ها و مزایای زیادی برخوردار می‌باشد که از آن جمله: تشویق جوانان و نوجوانان به درس و تعلیم، معرفی ارزش‌های مدنی، اجتماعی و حقوقی، آرایه‌ی راهکارها برای حل مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، برجسته ساختن هنجارها و مشکلات اجتماعی و یافتن راه‌حل برای آن از مهمترین مزایای دستاوردهای تلویزیون در یک کشور به‌شمار می‌رود. تلویزیون یک کلاس بی‌دیوار است که فراتر از یک محیط و جغرافیا، برای هزاران و میلیون‌ها مخاطب خویش برنامه‌های گوناگون آرایه می‌کند. تلویزیون میان مردم و دولت، حیثیت یک پل و یک شاهراه را دارا است و بسیاری مشکلات، نظریات و دیدگاه‌های شهروندان را به گوش دولت و اعلامیه‌ها و خبرهای دولتی را به گوش مردم می‌رساند.





داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

Facebook.com/flyariana
+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com



KANUNUB, ISTANBUL, MOSCOW, HERAT, DUBAI, JEDDAH, ISMAYIL, HERAT

داریانا افغان هوایی شرکت جهت عرضه خدمات بهترهوائی و ایجاد سهولت به هوطنان عزیز تخفیف‌های ویژه را در قیمت تکت‌ها قرار ذیل ارائه نموده است.

- 30% تخفیف برای دیپلمات‌های محترم
- 20% تخفیف برای کارمندان محترم دولت
- 25% تخفیف برای محصلین گرامی
- 20% تخفیف برای ورزشکاران پر افتخار تربیت بدنی و المپیک
- 20% تخفیف برای افراد دارای معلولیت